

پاسخ سؤالات مسیحیت چیست ؟ (سؤالات 20 قدم)

1 - خدا کیست ؟

خدا محبت است ، خدا نور است و او یکتاست ، قادر مطلق ، خالق و آفریننده .

اول یوحنا 4 : 8

و کسی که محبت نمی نماید، خدا را نمی شناسد زیرا خدا محبت است

یوحنا 1 : 3-1

¹ در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود. ² همان در ابتدا نزد خدا بود. ³ همه چیز به واسطه او آفریده شد و به غیر از او چیزی از موجودات وجود نیافت. ⁴ در او حیات بود و حیات نور انسان بود. ⁵ و نور در تاریکی می درخشد و تاریکی آن را در نیافت

2 - به چه دلیل خدا ما را آفرید ؟

خدا محبت است و محبت ایجاب می کند که محبوب وجود داشته باشد ، محبت بدون محبوب معنی ندارد؛ خدا انسان را شبیه خود آفرید و انسان را بطور مساوی و به صورت زن و مرد آفرید. او انسان را برای مشارکت و برای دادن محبت به آنها آفرید ؛ چون انسان محبوب خداست.

پیدایش 1 : 26-28

²⁶ و خدا گفت: «آدم را بصورت ما و موافق شبیه ما بسازیم تا بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و بهایم و بر تمامی زمین و همه حشراتی که بر زمین می خزند، حکومت نماید.» ²⁷ پس خدا آدم را بصورت خود آفرید. او را بصورت خدا آفرید. ایشان را نر و ماده آفرید. ²⁸ و خدا ایشان را برکت داد و خدا بدیشان گفت: «بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید و در آن تسلط نمایید، و بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و همه حیواناتی که بر زمین می خزند، حکومت کنید.»

غزل غزلها 2 : 16

محبوبم از آن من است و من از آن وی هستم

3 - بهشت کجاست ؟

هر کجا که خدا هست در آنجا حضور او باعث 100% آرامش ، 100% شادی ، محبت و آزادیست و آنجا بهشت است . زندگی و مشارکت رو در روی ما با خدا ؛ زندگی در بهشت است. این بهشت میتواند از همین زمین شروع شود و تا آسمان و تا ابد ادامه پیدا کند.

4 - آیا آدم و حوا وقتی آفریده شدند در روی زمین بودند یا در آسمان ؟ آیا آنجا بهشت بود ؟

خدا آدم و حوا را در روی زمین و از خاک زمین سرشت . پیدایش 2 : 7 - 8

در روزی که خدا آسمان و زمین را آفرید کلام خدا می گوید هرچه خدا آفرید بسیار نیکو بود ، (پیدایش 1 : 31) انسان در روی زمین در حضور خدا زندگی می کرد و بهشت روی زمین بود . (پیدایش 2 : 9-14)

پیدایش 2 : 7 - 8

⁷ خداوند خدا پس آدم را از خاک زمین بسرشت و در بینی وی روح حیات دمید، و آدم نفس زنده شد. ⁸ و خداوند خدا باغی در عدن بطرف مشرق غری نمود و آن آدم را که سرشته بود، در آنجا گذاشت.

پیدایش 1: 31

³¹ و خدا هر چه ساخته بود، دید و همانا بسیار نیکو بود. و شام بود و صبح بود، روز ششم.

پیدایش 2: 9-14

⁹ و خداوند خدا هر درخت خوشنما و خوش خوراک را از زمین رویانید، و درخت حیات را در وسط باغ و درخت معرفت نیک و بد را. ¹⁰ و نهری از عدن بیرون آمد تا باغ را سیراب کند، و از آنجا منقسم گشته، چهار شعبه شد. ¹¹ نام اول فیشون است که تمام زمین حویله را که در آنجا طلاست، احاطه می کند. ¹² و طلای آن زمین نیکوست و در آنجا مروارید و سنگ جزع است. ¹³ و نام نهر دوم جیحون که تمام زمین گوش را احاطه می کند. ¹⁴ و نام نهر سوم حدقل که بطرف شرقی آشور جاری است. و نهر چهارم فرات.

5 - خدا کهکشان و جهان را در عرض چند روز آفرید ؟ معنی این 6 روز چیست ؟

آیا این روز ها 24 ساعت است ؟

خدا جهان را در عرض 6 (شش) قسمت یا روز آفرید (فصل 1 پیدایش) معنی لغت روز را در این آیات میتوان به معنی 24 ساعت تفسیر کرد، که بعضی از معلمان الهیات این مطلب را باور دارند ، ولی بیشتر معلمان الهیات نظر می دهند که بنا به آیه ای که در مزمور 90 : 4 و همچنین در عهد جدید در نامه دوم پطرس 3 : 8 نوشته شده است ، خدا از زبان پطرس دوباره این مطلب را تکرار می کند که یک روز خدا می تواند 1000 (هزار) سال ما باشد و یا به طور تفسیری می توان گفت که این یک روز میتواند هزاران سال باشد . به همین دلیل زمان آفرینش تا زمان واقعه گناه انسان می تواند سالها و قرن ها طول کشیده باشد . این تفسیر می تواند به راحتی جواب زمین شناسان را راجع به قدمت زمین در مقام مقایسه با آفرینش را توضیح دهد .

مزمور 90 : 4

زیرا که هزار سال در نظر تو مثل دیروز است که گذشته باشد و مثل پایی از شب

دوم پطرس 3 : 8

لکن ای حبیبان، این یک چیز از شما مخفی نماند که یک روز نزد خدا چون هزار سال است و هزار سال چون یک روز

6 - خدا این جهان و کهکشان را برای چه و برای که آفرید ؟

تمام دنیا بوسیله عیسی مسیح آفریده شد ، کلام خدا میفرماید که بوسیله او و برای او آفریده شد که به ما هدید دهد ، در اصل خدا جهان را برای فرزندانش آفرید . شما وقتی که در انتظار نوزاد هستید مطمئن هستم که اتاق و وسایل او را آماده می کنید و آنانی که از نظر مالی غنی هستند حتی پرستار بچه را از قبل تولد او معین می کنند، خداوند زمین و کهکشان را برای ما ؛ و فرشتگان را برای پرستاری ما آفرید

کولسیان 1 : 15-18

¹⁵ و او (یعنی عیسی) صورت خدای نادیده است، نخست زاده تمامی آفریدگان. ¹⁶ زیرا که در او همه چیز آفریده شد، آنچه در آسمان و آنچه بر زمین است از چیزهای دیدنی و نادیدنی و تخته ها و سلطنتها و ریاسات و قوا؛ همه بوسیله او و برای او آفریده شد. ¹⁷ و او قبل از همه است و دروی همه چیز قیام دارد. ¹⁸ و او بدن یعنی کلیسا را سر است، زیرا که او ابتدا است و نخست زاده از مردگان تا در همه چیز او مقدم شود

پیدایش 1: 26-27

²⁶ و خدا گفت: «آدم را بصورت ما و موافق شبیه ما بسازیم تا بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و بهایم و بر تمامی زمین و همه حشراتی که بر زمین می‌خزند، حکومت نماید.»²⁷ پس خدا آدم را بصورت خود آفرید. او را بصورت خدا آفرید. ایشان را نر و ماده آفرید.

عبرانیان 1: 13 – 14

¹³ و به کدام یک از فرشتگان هرگز گفت: «بنشین به دست راست من تا دشمنان تو را پای انداز تو سازم»؟¹⁴ آیا همگی ایشان روح های خدمتگذار نیستند که برای خدمت آنانی که وارث نجات خواهند شد، فرستاده می‌شوند؟

7 - در کجا خدا گفته هرچه آفریده بسیار نیکو و عالی بود ؟

و آفرینش او 100% نیکو بود ؟

در پیدایش 1: 31 آخرین آیه فصل یک

7- آیا خدا انسان را نیکو آفرید و میبایست کار نیکو را انجام دهد؟

در پیدایش 1: 31 آخرین آیه فصل یک ؛ خداوند اعلام کرد که هرچه آفریده بود نیکو بود . انسان (آدم و حوا) نیکو آفریده شده بودند و در طبیعت آنها نیکوئی کار گذاشته شده بود و اگر کار نیکو میکردند یک عمل عادی و طبیعی میبود. انسان اگر عمل نیک میکند نمیتواند به خدا بگوید که ببین که چه عمل عالی انجام میدهم. چون خدا در عوض میتواند بگوید که داری وظیفه خود را انجام میدهی و متنی بر سر من نمیگذاری.

پیدایش 1: 31

و خدا هر چه ساخته بود، دید و همانا بسیار نیکو بود. و شام بود و صبح بود، روز ششم

8 - محبت خدا برای آدم و حوا که در حضور او بودند به چه اندازه و چگونه بود؟

خدا محبت 100% را برای آدم و حوا داشت⁰ و دلیل آن این است که هرچه آفریده بود به او بخشیده بود⁰ هیچ چیز را از او دریغ نداشت . و دنیا و تمام حیوانات و زمین را به انسان داد که بر آن سلطنت کند و تسلط یابد. و حتی باغ را به او داد که نگاهداری کند و حیوانات را به او داد که آنها را نام گذاری نماید و بر همه آنها و دنیا سلطنت کند. سوال ؟ آیا ما الان در این قدرت هستیم و زندگی میکنیم ؟ چه شد که این قدرت و تسلط را از دست دادیم ؟

(جواب این سوالات را از همین جزوه از جواب به سوالات 17 و 18 یاد خواهید گرفت)

پیدایش 1: 28

و خدا ایشان را برکت داد و خدا بدیشان گفت: «بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید و در آن تسلط نمایید، و بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و همه حیواناتی که بر زمین می‌خزند، حکومت کنید.»

پیدایش 2: 15 و 19

¹⁵ پس خداوند خدا آدم را گرفت و او را درباغ عدن گذاشت تا کار آن را بکند و آن را محافظت نماید

¹⁹ و خداوند خدا هر حیوان صحرا و هر پرنده آسمان را از زمین سرشت و نزد آدم آورد تا ببیند که چه نام خواهد نهاد و آنچه آدم هر ذی حیات را خواند، همان نام او شد.

9- آیا خدا ما را شبیه خود آفرید؟ در چه آیه ای نوشته شده؟ و این شباهت چه معنی می دهد؟

انسان شبیه خدا آفریده شد (پیدایش 1: 26-28) این شاهت این معنی را میدهد: این شباهت از نظر روح و روحیه و شخصیت و تمام خصوصیات لازم برای زندگی پیروزمند روی زمین و با قدرت تشخیص خوب و بد (معرفت نیک و بد) به ما داده شد. این شباهت فقط از نظر تشخیص و درک و خصوصیات خوبی است که از خداوند در آدم و حوا کار گذاشته شده بود. این شباهت فیزیکی نبود؛ حال آنکه بعدا خدا بخاطر انسان که از او بوسیله گناه جدا شده بود و شباهت را از دست داد؛ خود خدا به شباهت انسان جسم پوشید و از دنیای روح به دنیای ماده آمد تا جریمه گناهان او را خودش روی صلیب پرداخت کند.

10- شادی و آرامش آدم و حوا در حضور خدا در مقام مقایسه با شادی دنیای حاضر

و آرامشی که در حال حاضر داریم چگونه بود؟ چند درصد بود؟

انسان در حضور خدا در شادی کامل و آرامش کامل بود (شادی و آرامش 100%) . این معانی از آیات پیدایش 1: 31 و فصل 2 پیدایش گرفته شده است. حال آنکه امروزه شادی ما در این روزگار نسبی و فقط خوشحالی های زودگذر است و آرامش ما نیز نسبی و تماما" با محیط و افراد کنترل می شود. اگر کسی بدون داشتن روح القدس بگوید که من آرامش کامل دارم؛ در ته دل خود میداند که آرامش او کامل نیست. آیا شده است که از یک مهمانی و یا یک سفر عالی و پر از شادی به منزل بازگردید و دوباره غم بر شما بیاید؟

11- آیا انسان در زمانی که در حضور خدا بسر میبرد؛ در ترس بود؟

آدم و حوا رو در رو با خدا ملاقات می کردند و از او ترس نداشتند حتی آنها در مقابل خدا عریان بودند و حتی شرم نداشتند و خجالت نمی کشیدند چه برسد به وحشت از خدا. پیدایش 2: 25 (آخرین آیه قبل از داستان گناه و دوری آدم و حوا از حضور خدا) ولی بعد از گناه در فصل 3 پیدایش میخوانیم که از عریانی خود شرم داشتند و ترس بر آنها مستولی بود. در پیدایش 3: 9-10 و جواب سوال 18 در همین جزوه مطالعه کنید.

پیدایش 2: 25

و آدم و زنش هر دو برهنه بودند و خجالت نداشتند.

پیدایش 3: 9-10

⁹ و خداوند خدا آدم را ندا درداد و گفت: «کجا هستی؟»¹⁰ گفت: «چون آواز تو را در باغ شنیدم، ترسان گشتم، زیرا که عریانم. پس خود را پنهان کردم.»

12- آیا خدا ظلمت و تاریکی را آفریده است؟ آیا خدا ی نیکو؛ بدی را هم آفریده است؟

خدا خالق کل هستی و تمام خلقت و همه چیز است حتی ظلمت و تاریکی و حتی بدی را خدا آفریده ولی نه برای انسان که در بدی قرار بگیرد در آیه اشعیا 45: 7 کاملاً" این مطب را گوشزد می کند. اگر تاریکی آفریده نمی شد نور معنی خود را نداشت (در هر حقیقت در علم امروزی معنی تاریکی را نبودن نور توضیح میدهند). و همچنین با بودن بدی نیکوئی جلوه خاص خود را پیدا می کند ولی در هیچ صورتی خدا بدی و تاریکی را برای ما نیافرید که ما در آن

زندگی کنیم 0 تمام افکار خدا برای ما سلامتی و نیکوئی است (ارمیا 29: 11) ما فرزندان نور هستیم (افسیان 5: 9) . ما بعد از دریافت عیسی مسیح که نور عالم است ما نیز میتوانیم زندگی در نور داشته باشیم.
اشعیا 45: 7

پدیدآورنده نور و آفریننده ظلمت. صانع سلامتی و آفریننده بدی. من یهوه صانع همه این چیزها هستم
ارمیا 29: 11

زیرا خداوند می گوید: فکری را که برای شما دارم می دانم که فکری سلامتی می باشد و نه بدی تا شما را در آخرت امید بخشم.

افسیان 5: 8 - 9

⁸ زیرا که پیشتر ظلمت بودید، لیکن الحال درخداوند نور می باشید. پس چون فرزندان نور رفتار کنید. ⁹ زیرا که میوه نور در کمال، نیکویی و عدالت و راستی است.

13 - آیا انسان معرفت نیک و بد را داشت ؟ (قدرت تشخیص و یا دانش فرق بین بدی و خوبی را داشت) ؟

بله ، از آنجایی که طبق (پیدایش 1: 26-28) خدا انسان را به شباهت خود آفرید و کامل آفرید ، انسان قدرت درک و فهم و معرفت و تشخیص و تمیز خوب و بد (معرفت نیک و بد) را داشت . انسان درک بدی را داشت ولی بدی را تجربه نکرده بود و لازم نداشت که تجربه کند تا بداند که چیست . اگر فقط حرف پدر را قبول می کرد و از او اطاعت میکرد دیگر احتیاج به تجربه از بدی نبود. ولی با خوردن از درخت معرفت نیک و بد (که خوردن نشانه تجربه کردن است) باعث شد که بدی را تجربه کند و در بدی قرار بگیرد . ورود به بدی اتوماتیک وار انسان را از نیکوئی دور کرد . این دوری به لغت به گناه معروف است . و گر نه این دوری که گناه نامیده شده است پدید نمی آمد . و انسان در حضور خدا در اطاعت ولی با برکت و سلامتی (آرامش) و شادی کامل باقی میماند. (برای توضیحات بیشتر برای معنی گناه به جواب سوال 21 در این جزوه مراجعه کنید)

14 - درخت نیک و بد که در پیدایش ذکر شده ؛ آیا سیب بود و یا گندم بود ؟

درخت معرفت نیک و بد یک درخت بوده که میوه قابل خوردن هم داشته است ولی در کتاب مقدس نامی از سیب و نه از گندم برده نشده است . این درخت یک سمبل در خروجی است که خدا این در خروجی را در باغ نهاد که به انسان اجازه و حق انتخاب دهد . اگر این در خروجی وجود نداشت انسان در اسارت خدا در باغ باقی می ماند . محبت خدا آزادی کامل می دهد و در خروجی نشانه آزادی است نه آزمایش و یا تست و یا زورگوئی و استثمار .
پیدایش 2: 16 - 17

¹⁶ و خداوند خدا آدم را امر فرموده، گفت: «از همه درختان باغ بی مانعت بخور، ¹⁷ اما از درخت معرفت نیک و بد زهار بخوری، زیرا روزی که از آن خوردی، هر آینه خواهی مرد.

15 - چرا خدا اصلا " درخت نیک و بد را آفرید ؟

خدا این درخت را به عنوان در خروجی و نشانه حق آزادی و حق انتخاب به انسان داد . اگر این در وجود نداشت انسان در حضور خدا در زندان بود . حتی اگر بگوئیم که در محبت کامل میبود ولی حق انتخاب نداشت باز انسان در زندان محبت محبوس می شد ولی

خدا نمی خواهد که ما را بزور در محبت خود نگاه دارد و محبت خدا بدون قید و شرط است چه ما در پیش او بمانیم و نمانیم او مارا به تمامی عشق الهی خود دوست دارد .

16 - آیا وقتی که انسان در حضور خدا بود آزاد بود که در پیش او بماند ؟ و یا آزاد بود که از پیش او برود ؟

انسان در حضور خدا در روی زمین بود ولی آزاد بود که در مشارکت او بماند و یا از حضور او خارج گردد . اگر به آیه پیدایش 2 : 16 توجه کنید: **16 و خداوند خدا آدم را امر فرموده، گفت: «از همه درختان باغ بی ممانعت بخور، این لغت بی ممانعت بخور معنی آن میدهد که آزادی از همه درختان بخوری . و حتی در آیه بعدی پیدایش 2 : 17 که نشانه در خروجی (درخت معرفت) این آزادی را تضمین می کرد . با این که خوردن این درخت و تجربه از آن مرگ را ببار میآورد ؛ باز خدا آن درخت را از باغ برداشت. و این خود باز یک نشانه آزادی است که خدا به ما میدهد ؛ ولی هوشیاری نیز همراه با آن به انسان داده بود و او را هوشیار از سوء استفاده از این درخت کرده بود. به این ترتیب انسان آزاد بود که در حضور خدا بماند و آزاد بود که از پیش او دور شود و این حق را داشت . ولی استفاده از هردو حق آزادی (ماندن و یا نماندن) در زندگی او اثرات و نتایجی داشت که آدم کاملاً" به آن واقف بود . امروزه ما مسیحیان نیز این حق را هنوز داریم که با اطاعت خدا در حضور و مشارکت او باقی بمانیم . اما امروزه نیز حتی با داشتن نجات ، می توانیم با بی اطاعتی از مشارکت و برکات او خارج شویم . همان طوری که خدا از طریق موسی به قوم سرگردان اسرائیل در بیابان حق انتخاب داد (تثنیه 31: 15-20 قوم عهد با خدا را مثل آدم و حوا شکستند) این حق انتخاب را امروز نیز شما دارید . چقدر زیباست که خداوند ما ، آری از خودخواهی و پر از فیض و آزادی است . استفاده درست از این آزادی باعث حیات و برکت خواهد شد. خداوند ما عیسی مسیح شما را آزاد گذاشته است که با تمامی قلب او را دوست بدارید نه از روی اجبار و ترس و وحشت بلکه با احترام و عشق قلبی و آزادانه .**

تثنیه 31: 15 - 16 و 20

¹⁵ و خداوند در ستون ابر در خیمه ظاهر شد و ستون ابر، بر در خیمه ایستاد.

¹⁶ و خداوند به موسی گفت: «اینک با پدران خود می خوابی و این قوم برخاسته، در پی خدایان بیگانه زمینی که ایشان به آنجا در میان آنها می روند، زنا خواهند کرد و مرا ترک کرده، عهده را که با ایشان بستم خواهند شکست. ²⁰ زیرا چون ایشان را به زمینی که برای پدران ایشان قسم خورده بودم که به شیر و شهد جاری است، درآورده باشم، و چون ایشان خورده، و سیر شده، و فربه گشته باشند، آنگاه ایشان به سوی خدایان غیر برگشته، آنها را عبادت خواهند نمود، و مرا الهانت کرده، عهد مرا خواهند شکست

17 - چه شد که انسان از حضور خدا خارج شد ؟ دلیل واقعی آن چه بود ؟

انسان به دلیل خود کفائی و بی اطاعتی که ریشه آن خودخواهی و غرور است از حضور خدا خارج شد . (پیدایش 3 : 1 - 6)

¹ و مار از همه حیوانات صحرا که خداوند خدا ساخته بود، هشیارتر بود. و به زن گفت: «آیا خدا حقیقت گفته است که از همه درختان باغ نخورید؟» ² زن به مار گفت: «از میوه درختان باغ می خوریم، ³ لکن از میوه درختی که در وسط باغ است، خدا گفت از آن نخورید و آن را لمس نکنید، مبدا بمیرید.» ⁴ مار به زن گفت: «هر آینه نخواهید مرد، ⁵ بلکه خدا می داند در روزی که از آن بخورید، چشمان شما باز شود و مانند خدا عارف نیک و بد خواهید بود.» ⁶ و چون زن دید که آن درخت برای خوراک نیکوست و بنظر خوشنما و درختی دلپذیر دانش افزا، پس از میوه اش گرفته، بخورد و به شوهر خود نیز داد و او خورد.

حوا از درخت معرفت نیک و بد خورد . خوردن در اینجا به معنی تجربه کردن بعنوان تجربه شخصی و قابل لمس انسانی است . وسوسه شیطان در مورد خوردن از این درخت و دروغ او در مورد مردن و نمردن نیز حوا را به شک انداخت . حال آنکه حوا حق داشت که به شیطان بگوید که من احتیاج ندارم که از درخت بخورم چون موقعیتی که الان دارم بهتر است از زمانی که از آن درخت بخورم . حوا احتیاج نداشت که بدی را تجربه کند تا بداند که بدی چیست بلکه معرفت آن را خدا به او داده بود و او به شباهت خدا بود و معرفت و شناخت آن را داشت . ما لزومی ندارد که دست خود را در آتش ببریم تا تجربه کنیم که دست ما را می سوزاند اگر کسی که ما را دوست دارد و بما می گوید که دست تو خواهد سوخت . دیگر احتیاج به تجربه من و ما ندارد .

شیطان در پیدایش 3 : 5 حوا را در مورد شباهت خدا شدن گول زد . حوا می دانست که مانند خدا هست و احتیاجی به شبیه شدن بیشتر و یا دوباره ندارد . ولی وسوسه شیطان در قلب حوا این غرور را آتش زد که به خدا احتیاج نخواهی داشت و این شروع غرور در قلب حوا بود که باعث شد که از درخت معرفت بخورد و در حقیقت با تجربه بدی و نیکی فکر می کرد که از این به بعد احتیاجی ندارد که خدا به او بگوید که چه بد است و چه خوب است . وقتی حوا حرف خود را بر حرف خدا برتری دانست و خود او تصمیم گرفت که چه چیزی برای او خوب و چه چیزی بد است یعنی من از خدا برتر هستم و حرف من بر او برتر است . درست مانند بچه های ما که در بی اطاعتی می خواهند خودشان کاری را بکنند که پدر و مادر کاملاً می دانند برای آنها مضر است . و پدر و مادر بدون هیچ چشم داشتی و یا احساس برتری و یا برای کنترل کردن و یا استثمار کردن بچه های خود نمی گویند ولی باز بچه ها می توانند که از آن نصیحت ها سرپیچی کنند . حتی با تمام بی اطاعتی آنها و بعد از شکست و تجربه های تلخ وقتی بچه ها برمی گردند باز دوباره پدر و مادر نیکو ، آنها را می پذیرند . خدا نیز با همه بی اطاعتی ما انسانها باز بخاطر عشق پدری خود برای ما راه برگشت را فراهم کرده است

18 - با خوردن میوه درخت معرفت نیک و بد ؛ برای آدم و حوا چه اتفاق آنی افتاد ؟

آدم و حوا هردو از این درخت خوردند (یعنی تجربه کردند) در پیدایش 3 : 7

7 آنگاه چشمان هر دو ایشان باز شد و فهمیدند که عریانند. پس برگهای انجیر به هم دوخته، سترها برای خویشتن ساختند.

و در پیدایش 3 : 10 آدم در جواب خدا که او را صدا میزد جواب داد: ¹⁰ **گفت: «چون آوازت را در باغ شنیدم، ترسان گشتم، زیرا که**

عریانم. پس خود را پنهان کردم.»

فورا" و آنی فهمیدند که عریان هستند و خجالت کشیدند (که ریشه آن ترس است) و خود را از خدا پنهان کردند . حال آنکه در فصل 2 آیه آخر آنان عریان بودن و خجل نبودند . این تجربه از روی بی اطاعتی باعث شد که خود را عریان و از خدا دور و ترسان و خجلت زده ببینند.

19 - در اثر خوردن میوه از درخت معرفت نیک و بد چه اتفاقی در بعد روح افتاد ؟

انسان که از جنس روح خدا بود و در مشارکت او بود در حقیقت روح او با خدا در ارتباط کامل بود . ولی چون از حضور او خارج شد روح انسان از روح خدا که نور است جدا شد . از حضور نور وقتی خارج شویم اتوماتیک وار وارد تاریکی می شویم . (جائی که نور نیست تاریکی است) . و روح انسان در تاریکی قرار گرفت و از جنس تاریکی شد . افسسیان 5 : 8

8 زیرا که پیشتر ظلمت بودید، لیکن الحال در خداوند نور می باشید. پس چون فرزندان نور رفتار کنید.

در این آیه خدا از زبان پولس اعلام میکند که ما بوسیله گناه در تاریکی قرار گرفته ایم و معنی پیشتر ظلمت بودید ؛ آن است که روح ما از جنس تاریکی و ظلمت شده است ولی با ایمان به مسیح میتوانیم در نور زندگی کنیم و فرزندان نور باشیم .

20 - شیطان کیست و چرا خدا اصلاً "شیطان را آفرید ؟

شیطان یک فرشته است و از جنس روح می باشد . ولی جنس روح او از جنس خدا نیست بلکه فقط خدا انسان را به این مقام نایل کرد که جنس روح انسان از جنس خدا باشد . فرشتگان به شباهت خدا آفریده نشده اند . آنان خدمتکاران و پرستاران فرزندان خدا هستند (عبرانیان 1: 13-14)

13 و به کدام یک از فرشتگان هرگز گفت: «بنشین به دست راست من تا دشمنان تو را پای انداز تو سازم»؟¹⁴ آیا همگی ایشان روح های خدمتگذار نیستند که برای خدمت آنانی که وارث نجات خواهند شد، فرستاده می شوند؟

شیطان یک فرشته پر قدرت با جمال و زیبایی و حتی حکیم بود. او میبایست همانند همه فرشتگان از انسان اطاعت کند و او را خدمت نماید. می توانید خصوصیات شیطان را در (حزقیال 28: 11-19 و اشعیا 14: 12-15) مطالعه کنید . در آیات حزقیال 28 خداوند از شهر صور به عنوان سمبل شیطان استفاده میکند. به آیه 13 توجه کنید که راجع به کروب (فرشته) صحبت میکند ؛ که در آخر او با تمام کمال و حکمت و زیباییش مغرور شد . (آیه 17) از حضور خدا اخراج شد در آیه 16 توجه کنید. در همان هنگام او ثلث (یک سوم) فرشتگان دیگر که به فرشتگان پلید و یا ارواح پلید معروف هستند از حضور خدا افتادند. به آیه مکاشفه 12: 3-4 که در زیر نوشته شده است توجه کنید ؛ این واقعه به صورت سمبولیک نوشته شده است.

حزقیال 28: 11-19

11 و کلام خداوند بر من نازل شده، گفت: ¹² «ای پسر انسان برای پادشاه صور مرثیه بخوان و وی را بگو خداوند یهوه چنین می فرماید: تو خاتم کمال و مملو حکمت و کامل جمال هستی. ¹³ در عدن در باغ خدا بودی و هر گونه سنگ گرانبها از عقیق احمر و یاقوت اصفر و عقیق سفید و زبرجد و جزع و یشب و یاقوت کبود و بهرمان و زمرد پوشی تو بود. و صنعت دفها و نایهای در تو از طلا بود که در روز خلقت تو آنها مهیا شده بود. ¹⁴ تو کروی مسح شده سایه گستر بودی. و تو را نصب نمودم تا بر کوه مقدس خدا بوده باشی. و در میان سنگهای آتشین می خرامیدی. ¹⁵ از روزی که آفریده شدی تا وقتی که بی انصافی در تو یافت شد به رفتار خود کامل بودی. ¹⁶ اما از کثرت سوداگری بطن تو را از ظلم پر ساختند. پس خطا ورزیدی و من تو را از کوه خدا بیرون انداختم. و تو را ای کروی سایه گستر، از میان سنگهای آتشین تلف نمودم. ¹⁷ دل تو از زیبایی مغرور گردید و به سبب جمالت حکمت خود را فاسد گردانیدی. لهذا تو را بر زمین می اندازم و تو را پیش روی پادشاهان می گذارم تا بر تو بنگرند. ¹⁸ به کثرت گناهت و بی انصافی تجارت مقدس های خویش را بی عصمت ساختی. پس آتشی از میانت بیرون می آورم که تو را بسوزاند و تو را به نظر جمیع بینندگان بر روی زمین خاکستر خواهم ساخت. ¹⁹ و همه آشیایان از میان قوم ها بر تو متحیر خواهند شد. و تو محل دهشت شده، دیگر تا به ابد نخواهی بود.»

اشعیا 14: 15-12

12 ای زهره دختر صبح چگونه از آسمان افتاده ای؟ ای که امت ها را ذلیل می ساختی چگونه به زمین افکنده شده ای؟ ¹³ و تو در دل خود می گفتی: «به آسمان صعود نموده، کرسی خود را بالای ستارگان خدا خواهم افراشت. و بر کوه اجتماع در اطراف شمال جلوس خواهم نمود. ¹⁴ بالای بلندیهایی ابرها صعود کرده، مثل حضرت اعلی خواهم شد.» ¹⁵ لکن به هاویه به اسفلهای حفره فرود خواهی شد.

مکاشفه 12: 3-4

3 و علامتی دیگر در آسمان پدید آمد که اینک ازدهای بزرگ آتشگون که او را هفت سرو ده شاخ بود و بر سرهایش هفت افسر؛ ⁴ و دمش ثلث ستارگان آسمان را کشیده، آنها را بر زمین ریخت. و ازدها پیش آن زن که می زاید بایستاد تا چون بزاید فرزند او را ببلعد.

ثلث ستارگان نشانه فرشتگان هستند و ازدها خود شیطان است. لغت ستاره گان = فرشتگان در مکاشفه در فصل یک آیه 20 تفسیر شده و خود خدا در همان اول کلام مکاشفه این معنی را برای ما باز کرده است.

مکاشفه 1: 20

20 سر هفت ستاره ای را که در دست راست من دیدی و هفت چراغدان طلا را. اما هفت ستاره، فرشتگان هفت کلیسا هستند و هفت چراغدان، هفت کلیسا می باشند.

از تمام این آیات متوجه میشویم که شیطان و یک سوم از فرشتگان سقوط کردند و به فرشتگان پلید و یا دیوها معرف هستند و کار آنها این است که فرزندان خدا را با خود به دریاچه گوگرد و عذاب ابدی ببرند.

21 - معنی گناه چیست ؟

در لغت عبری که عهد عتیق به آن نوشته شده و همچنین به زبان یونانی که عهد جدید به آن نوشته شده است ، در هر دو قسمت کتاب مقدس ، گناه به معنی (به هدف نزدن) میباشد. در کل کتاب مقدس گناه به معنی دوری از خداست . انسان بخاطر خود کفایی و غرور از حضور خدا خارج شد. با آنکه معرفت نیک و بد را به کمال داشت ولی می خواست خود برای خودش تصمیم بگیرد نه خدا و در اصل خود را از خدا برتر بداند. کسی که میگوید من از خدا اطاعت نمیکم ؛ این بدین معنی است که فکر من ؛ ایده من و اراده من و عملکرد من از خدا بهتر و برتر است. در حقیقت خود خدا هستم و احتیاجی به خدا ندارم. بخاطر این خود کفائی کاذب و فریب از درخت معرفت خورد. و خواست خودش تجربه کند و اینکه فقط خدا بگوید و اطاعت کند کافی نبود. این روحیه بی اطاعتی و خودکفائی الان نیز در افراد وجود دارد. با آنکه شناخت کامل از بد و خوب را آدم و حوا داشتند و معنی مرگ و دوری از خدا را نیز کامل می دانستند و خدا به ایشان صریحاً" در (پیدایش 2 : 17) گفته بود که اگر از درخت معرفت نیک و بد بخوری خواهی مرد (دوری ابدی) باز این کار را کردند . در فصل 3 پیدایش این دوری با غرور و بی اطاعتی حوا و آدم شروع شد و از درخت معرفت نیک بد خوردند و منجر به احساس عریانی آنی ، خجالت و ترس ایشان شد

پیدایش 2 : 17

17 اما از درخت معرفت نیک و بد زنهار نخوری، زیرا روزی که از آن خوردی، هر آینه خواهی مرد

22 - نتایج گناه در زندگی بشر چه بوده و هست ؟

انسان بعد از جدائی از خدا دیگر در آن محبت صد در صد ابراز شده خدا قرار نداشت ؛ در آرامش کامل حضور خدا نبود ؛ در شادی صد در صد حضور خدا نبود. وقتی من و شما در آرامش صد در صد نباشیم پس در جایی قرار داریم که آرامش نسبی است و از آرامش کامل صد در صد کمتر است. اگر در حضور خدا که نور کامل است نباشیم پس در تاریکی هستیم. در فیزیک تعریف صحیح تاریکی این است که "جائی که نور نیست تاریکی است " پس انسان بعد از جدا شدن از نور (خدا) دیگر در تاریکی بسر می برد . و در حقیقت در مرگ روحانی (جدائی ابدی) قرار گرفته است . این نتیجه دوری و یا به زبان دیگر نتیجه گناه است . و وقتی که جسماً" میمیریم این دوری و این تاریکی ابدی میگردد و راه برگشت وجود ندارد. این نتیجه بزرگ این گناه است. امروزه ما در دنیائی زندگی می کنیم که بدی و بدبختی تجربه روزانه بشر است . روزانه آدم و حوا های امروزی بدی را تجربه می کنند و اثرات آن در زندگی ایشان و فرزندان شان غم ، درد ، تلخی ها ، یاس ، ناامیدی ، ترس ، غرور ، خودخواهی ها ، جدائی ها ، حسادت ها ، دروغ ها ، غیبت ها ، فساد ، تعصبات ، قتل و آدم کشی ها است ؛ این ها نتایج آن دوری اصلی از منبأ محبت و راستی و نیکوئی است.

23 - جرمه گناه و یا مزد گناه چیست ؟ اگر قبل از فوت یک انسان گناه او آمرزیده نشده باشد چه اتفاقی

پس از مرگ جسمانی می افتد ؟

جرمه گناه : مرگ (دوری ابدی از خداست). همه انسانها از خدا دور هستند و هیچ انسانی نیست که بگوید من گناه نکرده ام مگر آنکه معنی گناه را نداند . روح انسان در این جهان در جدایی از خداست و در تاریکی بسر می برد و روح انسان از جنس تاریکی شده است . در موقع مرگ جسمانی روح از بدن انسان جدا شده و از آنجاییکه تاریکی هرگز به نور بازگشت نمی کند ، این روح که در و تاریک شده ، به روح خدا که نور است بازگشت نمی کند و تا ابد از او دور می ماند . این دوری ابدی نتیجه (جرمه) گناه است . این دوری ابدی در کتاب مقدس به مرگ (مرگ روحانی) خوانده شده است .

رومیان 6 : 23

زیرا که مزد گناه موت است، اما نعمت خدا جلودانی در خداوند ماعیسی مسیح

24 - چرا در حال حاضر انسان در این همه درد و غم زندگی می کند ؟

بعد از اینکه انسان گناه کرد (از حضور خدا خارج شد) در جایی قرار گرفت که طبعاً "درد و غم و تاریکی گناه وجود دارد" (هر جا که خدای آرامش و سلامتی نیست درد وجود دارد و جایی که شادی خداوند نیست در عوض غم است و جایی که نور خدا نیست مسلماً تاریکی وجود دارد) و تا زمانی که انسان از این موقعیت دوری از خدا بیرون نیاید در درد و غم زندگی، بسر خواهد برد. پدر آسمانی نمی خواهد که انسان در این موقعیت تا به ابد باقی بماند. او رحیم و مهربان و پر از فیض و بخشش است به خاطر همین برای برداشتن غم و درد ما روی صلیب جان خود را فدا کرد. در عهد عتیق در کتاب اشعیا در مورد آمدن خدا به صورت عیسی مسیح به روی زمین و مصلوب شدن او و برداشتن این درد و غم پیشگوئی شده بود.

اشعیا 53: 4

لکن او غم های ما را بر خود گرفت و دردهای ما را بر خویش حمل نمود.....
اول پطرس 2: 24 (ترجمه شریف)

مسیح شخصاً بار گناهان ما را بر دوش گرفته و آنها را بر صلیب برد تا ما هم نسبت به گناه بمیریم و برای نیکی مطلق زیست کنیم، زیرا به سبب زخمهای اوست که شما شفا یافته اید

25 - آیا خدا می خواهد ما در این سختی ها و دردها و نگرانی ها بسر ببریم ؟

پدر آسمانی نمی خواهد که ما در این موقعیت باقی بمانیم. به خاطر همین برای برداشتن غم و درد ما روی صلیب جان خود را فدا کرد. (اشعیا 53: 4) لکن او غم های ما را بر خود گرفت و دردهای ما را بر خویش حمل نمود.

اول پطرس 5: 7 (تفسیری)

بگذارید خداوند بار تمام غصه ها و نگرانیهای شما را به دوش گیرد، زیرا او در تمام اوقات به فکر شما می باشد
متی 11: 28

بیايد نزد من ای تمام زحمتکشان و گرانباران و من شما را آرامی خواهم بخشید

26 - معنی مرگ ابدی و یا جهنم چیست ؟

معنی روحانی جهنم دوری ابدی از خداست و در عذاب و تاریکی و درد بودن ولی تا ابد. البته در کتاب مقدس جهنم در عهد عتیق به محلی در جنوب شرقی اورشلیم گفته میشد (جهنم = وادی ابن هنوم) در آن زمین پادشاهان گمراه یهود برای خدایانی مثل بعل و ملکوت فرزندان خود را قربانی میکردند. در آن محل زنانی که بچه هایشان کشته میشدند و زنده زنده در آتش قربانی این بت ها میگردیدند؛ گریه و شیون میکردند و صدای گریه و دندان بر دندان سائیدن این مادران به گوش میرسید. بعد از چندی که قوم توبه کرد و پادشاهان بعدی دستور دادند که این بت ها خراب گردد و بخاطر این کار زشت نیاکان خود آن محل را منفور جامعه و به اشغال دانی تبدیل کردند و زباله اورشلیم در آن محل ریخته میشد و بخاطر این کثافات در آن کرم نیز بود. برای این که این کثافات جرم و باکتری و مرض تولید نکنند این اشغال ها را مسوزاندند. و همیشه در آن محل آتش بر پا بود. و آتش آن تمامی نداشت. وقتی مسیح راجع دوری از خدا صحبت میکند که ما در جهنم هستیم و یا به جهنم میرویم به این محل قدیمی رجوع میکند که شنوندگان یهودی و مردم از وقایعی که در محل جهنم و این وادی (جهنم) با خبر بودند و به واژه های آتشی که تمام نمیشود؛ یا کرم آن نمیبرد؛ و یا گریه و فشار دندان و یا دندان بر دندان سائیدن که قبلاً در این محل بوده آشنائی داشتند.

ارمیا 7: 30 - 31

³⁰ **اهالی یهودا در برابر چشمان من شرارت ورزیده اند و بتهای خود را به خانه من آورده و آنجا را نجس ساخته اند.** ³¹ **در وادی «ابن هنوم» نیز قربانگاهی به نام «توفت» بنا نموده اند و در آنجا پسران و دختران**

خود را برای تنها زنده زنده در آتش، قربانی می‌کنند کار زشت و هولناکی که نه‌امر فرموده بودم و نه حتی از خاطر گذشته بود

مرقس 9: 43 - 44

پس هرگاه دست تو را بلغزاند، آن را ببر زیرا تو را بهتر است که شل داخل حیات شوی، از اینکه با دو دست وارد جهنم گردی، در آتشی که خاموشی نپذیرد؛⁴⁴ جایی که کرم ایشان نمیرد و آتش، خاموشی نپذیرد
متی 25: 30

و آن غلام بی‌نفع را در ظلمت خارجی اندازید، جایی که گریه و فشار دندان خواهد بود

همچنین وقتی عیسی مسیح در مورد مرد دولتمند و الیعاذر فقیر و مرگ آنان صحبت کرد گفت:

لوقا 16: 22 - 23

باری آن فقیر بمرد و فرشتگان، او را به آغوش ابراهیم بردند و آن دولتمند نیز مرد و او را دفن کردند.²³ پس چشمان خود را در عالم اموات گشوده، خود را در عذاب یافت

مسیح عیسی نیز در باره عذاب ابدی به صورت آیه ذکر شده در لوقا مرگ بدون خدا را توضیح میدهد در عین حال در مکاشفه به یوحنا این تصویر آینده و محل زندانی شدن ابدی شیطان را در دریاچه گوگرد به صورت تشابهی و سمبولیک اعلام میکند
مکاشفه 10: 15-20

¹⁰ و ابلیس که ایشان را گمراه می‌کند، به دریاچه آتش و کبریت انداخته شد، جایی که وحش و نبی کاذب هستند؛ و ایشان تا ابدالابادشبهانروز عذاب خواهند کشید.¹¹ و دیدم تختی بزرگ سفید و کسی را بر آن نشسته که از روی وی آسمان و زمین گریخت و برای آنها جایی یافت نشد.¹² و مردگان را خرد و بزرگ دیدم که پیش تخت ایستاده بودند؛ و دفترها را گشودند. پس دفتری دیگر گشوده شد که دفتر حیات است و بر مردگان داوری شد، بحسب اعمال ایشان از آنچه در دفترها مکتوب است.¹³ و دریا مردگانی را که در آن بودند باز داد؛ و موت و عالم اموات مردگانی را که در آنها بودند باز دادند؛ و هر یکی بحسب اعمالش حکم یافت.¹⁴ و موت و عالم اموات به دریاچه آتش انداخته شد. این است موت ثانی، یعنی دریاچه آتش.¹⁵ و هر که در دفتر حیات مکتوب یافت نشد، به دریاچه آتش افکنده گردید

27 - آیا دلیل گناه کردن بشر تقصیر شیطان بود ؟

خیر ، آدم و حوا هردو این اختیار و حق را داشتند که به شیطان گوش ندهند و تشخیص دروغ او را داشتند و انتخاب کامل با آنها بود که از نزد خدا جدا شوند یا نه . تقصیر شیطان نمی توان گذاشت . البته شیطان وسوسه کرد و هنوز هم ما انسان ها را وسوسه می کند ولی قادر به مجبور کردن ما به انجام گناه نیست . انسان خودش انتخاب می کند که به شیطان گوش دهد و دستورات او را اطاعت و اجرا کند . افرادی که در کنترل شیطان و ارواح پلید قرار می گیرند در یک زمان در گذشته خود به ارواح حق صحبت کردن به افکار خود را داده اند . در این صورت ارواح حق کنترل و یا تاثیر گذاشتن و یا به لفظ جنگ روحانی معنی حق ورود به روان (فکر - احساسات - اراده) یک شخص را پیدا کرده اند . و این امکان دارد که با اجازه خود شخص بوده و یا به خاطر موقعیت خاص روحی و روانی و یا حتی گناه شخص دیگری این اجازه به شیطان و ارواح داده شده است . اما خوشبختانه آنانی که به مسیح ایمان دارند می توانند این نوع کنترل ها و حق مالکیت های بی جای شیطان و ارواح پلید را پس بگیرند .

28 - گناه اول را چه کسی کرد ؟ آیا حوا یا آدم ؟ تقصیر با که بود ؟

گناه را هردوی آدم و حوا کردند . هردو می توانستند بگویند نه، حتی اگر یکی می گفت بله به گناه دیگری می توانست او را به انتخاب درست تشویق کند و از دوری و گناه آزاد نماید . بله ترتیب ورود گناه به زندگی بشریت اول با حوا بود ولی مرد می توانست او را از

این دوری و گناه برگرداند ولی نکرد. بلکه گناه و مرگ ابدی اول از طریق زن وارد زمین شد ولی خبر خوش این است که آمرزش گناه و نجات و حیات (که عیسی مسیح باشد) نیز از طریق یک زن بعدا وارد جهان شد. اگر اول پوئن منفی را به زن می دهید در این صورت می بایست پوئن مثبت در مورد نجات را نیز به زن برگردانید.

29- آدم و حوا در حضور خدا بودند؛ قبل از واقعه سرپیچی آنها و ورود گناه به زندگیشان؛ آیا لباس به تن داشتند و یا عریان بودند؟ آیا از خدا خجالت می کشیدند؟

در کلام خدا در کتاب پیدایش 2: 25 آخرین آیه قبل از گناه در فصل 3؛ نشان می دهد که آدم و حوا هردو عریان بودند و لباسی بر تن نداشتند و به خاطر عریانی خود از خدا خجالت نمی کشیدند. امروزه خدا می خواهد ما در مقابل او و در مشارکت او همواره قرار بگیریم و در مقابل او شفاف باشیم و خجالت از هیچ چیزی نداشته باشیم مادامیکه باور داشته باشیم که خون مسیح پاک کننده و لباس سفید عدالت او بر تن ما است و در زیر آن لباس گناه نکنیم؛ در مقابل او ترس و یا خجالت نداریم. متأسفانه ورود گناه در زندگی آدم و حوا "آنا" عاملی شد که ترس و خجالت بر آنها وارد آمد.

30- انسان برای پوشش خود از عریانی چه کرد؟

آدم جو حوا خود را با برگ انجیر پوشانیدند تا عریانیشان پوشانده شود.
پیدایش 3: 7

آنگاه چشمان هر دو ایشان باز شد و فهمیدند که عریانند. پس برگهای انجیر به هم دوخته، سترها برای خویشتن ساختند

این یک عملکرد انسانی و یک کار نیکوی انسانی بود که او کرد تا بتواند عریانی خود را بپوشاند تا دیگر از خدا خجالت نکشد و بتواند به نزد خدا برود. اما برگ انجیر زود خشک می شود و موقتی است و می ریزد و او دوباره در مقابل خدا عریان است. انسان امروزه با سعی و کوشش و عمل دست خود (یعنی به طور سمبولیک که کندن برگ انجیر و ساختن لباس بود) می خواهد خود را از شرم گناه بپوشاند. اما متأسفانه این؛ کاری نبوده و نخواهد بود. ما با سعی و کوشش خود و اعمال دست خود هر چند که نیکو باشد قادر نخواهیم بود که گناه خود را بپوشانیم تا بتوانیم لایق باشیم در مقابل خدای پاک و بی گناه بایستیم.

31- برای پاک و بی گناه جلوه کردن در حضور خدا؛ انسان به چه اعمالی دست می زند؟

اعمال انسانی او با درست کردن لباس از برگ انجیر شروع شد و بعد با بهانه آوردن و انداختن گناه بر سر یکدیگر ادامه پیدا کرد. آدم گفت که زن مرا مجبور کرد و زن گفت که شیطان که تو خدا خودت آفریده ای باعث این گناه شد. به زبان دیگر آنها جدائی خود را از خدا و گناه را گردن خود خدا انداختند. امروزه بعضی از انسانها با انداختن گناه بر سر دیگری و بر سر خود خدا؛ فکر میکنند میتوانند از تقصیر و پرداخت جریمه و نتایج گناه خود بری باشند و می گویند خود خدا ما را آفریده و گناه را خود او معرفی کرده و باعث شده که ما گناه کنیم، پس دیگر ما را تقصیری نیست و احتیاج به آمرزش گناهان و برگشت نداریم. بعضی دیگر آگانه می داند که گناه کرده اند و صادقانه می خواهند به حضور خدا برگردند. ولی متأسفانه با کار نیکو و اعمال انسانی و نیک بودن خودشان؛ می خواهند که خود را در مقابل خدا بدون گناه نشان دهند. کار نیک و اعمال نیکو وظیفه انسان؛ از بدو خلقت بوده و هست. اصلاً "خدا انسان را شبیه خود آفرید و بسیار نیکو آفرید که کار نیک بکند و اگر انسان کار نیک می کند نمی تواند بگوید که چه کاری برای خدا کردم و منت سر خدا بگذارد. حال آنکه این وظیفه او بوده است که کار نیک بکند. باید دانست که خدا در کلام خود میگوید که با کار نیک گناهان آمرزیده نمی شود، بلکه ما داریم کاری می کنیم که برای آن آفریده شده ایم که انسان های نیکو و خوب باشیم و در هر حال و هر موقعیت؛ کار نیکو کنیم.

32- آیا کار نیک می تواند انسان را مقبول خدا کند؟

کار نیک وظیفه انسان است ولی با آن نمی توان مقبول خدا شد. اگر کار نیک بدانیم و نکنیم متأسفانه نکردن آن پای ما گناه محسوب می شود.

پس هر که نیکویی کردن بداند و بعمل نیاورد، او را گناه است

در عهد عتیق در اشعیا 64 : 6

زیرا که جمیع ما مثل شخص نجس شده ایم و همه اعمال عادلّه ما مانند لثه ملوث می باشد. و همگی ما مثل برگ، پژمرده شده،

گناهان ما مثل باد، ما را می ریايد

خدا می فرماید که کار نیک ما در مقابل او چیزی جز یک پارچه کثیف نیست . نه آنکه او دوست نداشته باشد که ما کار نیک کنیم بلکه با انجام آن ها نمی توانیم خود را عادل جلوه نمائیم و بگوئیم که شایسته حضور خدا هستیم و خدا می بایست ما را بخاطر این اعمال به عنوان شخص آمرزیده شده ، یا نیک مطلق ، یا پارسا و یا عادل بپذیرد . ولی اگر کار (نیک) مسیح روی صلیب را (نه کار خود را) بعنوان فدیّه یا کفاره گناهان خود بپذیریم در آن صورت ما عادل شمرده خواهیم شد و کار نیک کردن ما ؛ نتیجه طبیعی این نجات خواهد بود .

33 - آیا هیچ انسانی می تواند بگوید که تا بحال گناه نکرده ، و کاملاً " بی گناه است ؟

همه انسانها گناه کرده اند. هر که از آدم و حوا و بچه های آنها در این دنیا متولد شود در دوری از خدا به این دنیا می آید و در حقیقت در موقعیت این دوری (موقعیت گناه) قرار می گیرد. همه حتی پیامبران نیز در گناه به این دنیا آمده اند و خود نیز گناه کرده اند. رومیان 3 : 23

زیرا همه گناه کرده اند و از جلال خدا قاصر می باشند

کتاب مقدس به وضوح و بسیار آشکارا گناهان پیامبران که مثل من و شما انسان بودن را نشان می دهد و آن ها را پنهان نمی کند. مثل مست کردن نوح، دروغ ابراهیم آدم کشی حضرت موسی ، زنا و قتل حضرت داود ، اعمال گناه آلود حضرت سلیمان قبل از آمدن خود خدا به روی زمین و گناهان شاگردان و رسولان عهد جدید بعد از مرگ و رستاخیز خود . تنها خود خدا که به صورت یک انسان و آدم کامل روی زمین زندگی کرد گناه نکرد تا مثل یک بره بی گناه فدیّه گناهان همه ما گردد .

34 - آیا انسانی در روی زمین می تواند بگوید که من به پاکی صد در صد خدا هستم ؟

خدا پاک است و انسان جدا شده دور از آن قدوس ، در پاکی 100% نیست . البته انسانها خود را با یکدیگر مقایسه می کنند و فکر می کنند که پاک هستند. اما وقتی خود را با مسیح که خدای در جسم بود مقایسه میکنیم متوجه میشویم که چقدر کم میاوریم. امثال 20 : 9

کیست که تواند گوید: «دل خود را طاهر ساختم، و از گناه خویش پاک شدم.»

35 - قانون خدا که به صورت 10 فرمان به موسی داده شد برای چه بود ؟

ده فرمان و بقیه فرمانهای خدا که در 5 کتاب اول نوشته شده تنها 10 فرمان نیست بلکه تماماً 613 فرمان می باشد که برای نشان دادن استاندارد خداست . تمام این احکام و هر لغت کتاب مقدس چه عهد قدیم و چه عهد جدید نشانگر شخصیت خداست. فرمانهای خدا چهار چوب شخصیت نیکو و عالی خدا و انسان را بیان میکند و چهار چوبی است که با رعایت آن و ماندن در این محدوده نتیجتاً " در محافظت خدا قرار خواهیم گرفت . مردم فقط شاید 10 فرمان اول که بر روی لوحه های سنگی توسط خود خدا نوشته شد را ممکن است بیاد داشته باشند .

خروج 20 : 1-17

¹ و خدا تکلم فرمود و همه این کلمات را بگفت: ² «من هستم یهوه، خدای تو، که تو را از زمین مصر و از خانه غلامی بیرون آوردم. ³ تو را خدایان دیگر غیر از من نباشد. ⁴ صورتی تراشیده و هیچ تمثالی از آنچه بالا در آسمان است، و از آنچه پایین در زمین است، و از آنچه در آب زیر زمین است، برای خود مساز. ⁵ نزد آنها سجده مکن، و آنها را عبادت منما، زیرامن که یهوه، خدای تو می باشم، خدای غیور هستم، که انتقام گناه پدران را از پسران تا پشت سوم و چهارم از آنانی که مرا دشمن دارند می گیرم. ⁶ و تا هزار پشت بر آنانی که مرا دوست دارند و احکام مرا نگاه دارند، رحمت می کنم. ⁷ نام یهوه، خدای خود را به باطل مبر، زیرا خداوند کسی را که اسم او را به باطل برد، بی گناه نخواهد شمرد. ⁸ روز سبت را یاد کن تا آن را تقدیس نمایی. ⁹ شش روز مشغول باش و همه کارهای خود را بجا آور. ¹⁰ اما روز هفتمین، سبت یهوه، خدای توست. در آن هیچ کار مکن، تو و پسر و دخترت و غلامت و کنیزت و بهیمه ات و مهمان تو که درون دروازه های تو باشد. ¹¹ زیرا که در شش روز، خداوند آسمان و زمین و دریا و آنچه را که در آنهاست بساخت، و در روز هفتم آرام فرمود. از این سبب خداوند روز هفتم را مبارک خوانده، آن را تقدیس نمود. ¹² پدر و مادر خود را احترام نما، تا روزهای تو در زمینی که یهوه خدایت به تو می بخشد، دراز شود. ¹³ قتل مکن. ¹⁴ زنا مکن. ¹⁵ دزدی مکن. ¹⁶ بر همسایه خود شهادت دروغ مده. ¹⁷ به خانه همسایه خود طمع موز، و به زن همسایه ات و غلامش و کنیزش و گاوش و الاغش و به هیچ چیزی که از آن همسایه تو باشد، طمع مکن.»

این فرمانها ؛ قانونها یا شریعت خدا برای این است که بدانیم که خدا پاک و مقدس و قابل پرستش است و ما انسان ها وقتی دروغ می گوئیم و یا قتل می کنیم و یا به همسایه خود حسد می بریم و یا به پدر و مادر خود بی احترامی می کنیم این استانداردها بما نشان می دهد که از حضور او دور هستیم و از استاندارد مشارکت با او کوتاه و دور هستیم و با مقایسه خود با آن قوانین متوجه می شویم که به پاکی خدا نیستیم و استاندارد او را نگاه نداشتیم و گناه کرده ایم . این را نیز باید بدانیم که قانون خدا و شریعت او برای نشان دادن گناه می باشد

رومیان 3 : 20 (تفسیری)

پس ملاحظه می کنید که با اجرای شریعت، کسی هرگز نمی تواند رضایت خدا را حاصل کند. در واقع هر چه بیشتر شریعت را بدانیم، بیشتر پی می بریم که آن را زیر پا گذارده ایم. شریعت فقط چشمان ما را باز می کند تا گناهان خود را ببینیم

قانون و کلام خدا مانند یک آینه است که با دیدن صورت خود در آن به کثیفی آن و لکه های آن پی می بریم .

یعقوب 1 : 23-24

²³ زیرا اگر کسی کلام را بشنود و عمل نکند، شخصی را ماند که صورت طبیعی خود را در آینه می نگرد. ²⁴ زیرا خود را انگریست و رفت و فور فراموش کرد که چطور شخصی بود.

36 - مذهب از کجا شروع شد ؟ و چه معنی می دهد ؟

مذهب به معنی راه و روش است که انسان برای رسیدن به خدا می خواهد از این روش های انسانی (مذهب) استفاده کند ،انسان از هیچ راه انسانی و فلسفه انسانی نمی تواند به خدا برسد. مسیحیت یک رابطه مستقیم بین انسان و خداست. که خدا به انسان می رسد نه انسان به خدا.

امثال 14 : 12 (تفسیری)

راههایی هستند که بنظر انسان راست می آیند اما عاقبت به مرگ منتهی می شوند

اشعیا 55 : 8-9

⁸ زیرا خداوند می گوید که افکار من افکار شما نیست و طریق های شما طریق های من نی. ⁹ زیرا چنانکه آسمان از زمین بلندتر است همچنان طریق های من از طریق های شما و افکار من از افکار شما بلندتر می باشد

37- آیا با انجام مراسم مذهبی و بکن نکن ها و یا حتی با اجرای شریعت و قانون خدا گناهان ما پاک میشود؟

در (رومیان 3 : 20) می گوید با انجام شریعت ما عادل شمرده نمی شویم ، انسان ها با فکر این که : شریعت خدا را نگاه دارند ، می توانند مقدس باشند ، خود را فریب میدهند. ما فقط بوسیله کار مقدس و عالی مسیح روی صلیب پاک شمرده می شویم. و فقط بوسیله خون عیسی مسیح گناهان ما آمرزیده می گردد. ولی با نگاه داشتن شریعت کامل خدا که شخصیت مسیح و زندگی مسیح وارانه است که انسانها می توانند روی زمین پیروز و خوشبخت زندگی کنند و بتوانند ابزار دست او گردند تا ملکوت خدا بر روی زمین پیاده شود و باعث نجات تعداد زیادی گردند .

رومیان 10: 4 (شریف)

⁴ زیرا مسیح هدف و تمام کننده شریعت است برای هر که ایمان آورد و به این وسیله در حضور خدا نیک شمرده شود.

38- چرا برای رسیدن به خدا ، اعمال نیک و یا کارهای شریعت و مذهب ما را به خدا نمی رساند؟

اعمال نیک انسان همانند همان برگ انجیر بود که آدم برای رفتن به حضور خدا از درخت کند که خود را بپوشاند. انسان فکر می کند که اگر اعمال نیک کند می تواند گناهان خود را پاک کند و یا آنان را بپوشاند. خدا انسان را شبیه خود آفرید و نیک آفرید و نیک بودن و کار نیک کردن می بایست در ذات ما و وظیفه ما باشد. برای کاری که وظیفه ماست نمی توانیم منت سر خدا بگذاریم. حتی خداوند می فرماید اگر کار و یا عمل نیک می دانی و نکنی گناه کرده ای . (یعقوب 4: 17)

هر چه قدر خود را پاک کنیم به پاکی خدا نمی رسیم. خدا قانون و شریعت خود را داد که ما استاندارد او را بشناسیم و متوجه شویم که در مقام مقایسه با خدا کجا ایستاده ایم. ده فرمان و بقیه فرمانها فقط برای این بود که ما فاصله خود را با خدا ببینیم . طبق کلام خدا شریعت عهد عتیق ، گناه را مشخص می کند. خداوند می فرماید با اعمال شریعت به پیش من نیایید و در حقیقت انتظار نداشته باشید که اگر قانون را نگاه دارید گناهنتان پاک میشود.

(اشعیا 64 : 6 ، رومیان 3 : 20)

39- آیا خدا میگوید اگر نیکویی می دانی و نکنی گناه کرده ای ؟

در کتاب مقدس اعمال نا مفاق به استاندارد و شخصیت و شریعت خدا گناه محسوب میگردد. حال آنکه همین کلام خدا در عهد جدید در کتاب یعقوب فصل 4 آیه آخر مفرماید انجام ندادن کار نیکو خودش گناه کردن است. پس خود را بیازمائیم آیا همین امروز چه کارهائی نیکو و خیرخواهانه ای بوده که من و شما میدانستیم و نکرده ایم. متأسفانه همه آنها برای ما گناه حساب شده است. پس گناه نکردن چقدر سخت و بهتر بگوئیم غیر ممکن است.

40- در کدام آیات کتاب مقدس نوشته شده که همه افراد روی زمین که به دنیا می آیند گناه کرده اند و از

جلال خدا قاصر و از استاندارد خدا کوتاه هستند ؟

رومیان 3 : 23

همه گناه کرده اند و از جلال خدا محرومند

جامعه 7 : 20

زیرا مرد عادل در دنیا نیست که نیکویی ورزد و هیچ خطا ننماید

ایوب 15 : 14 (شریف)

آیا انسان می تواند در واقع نیک و پاک باشد؟

مزمور 143 : 2 (شریف)

بنده ات را محاکمه مکن، زیرا هیچ کسی در حضور تو بی گناه نیست

جمع ما مثل گوسفندان گمراه شده بودیم و هریکی از ما به راه خود برگشته بود و خداوند گناه جمیع ما را بروی نهاد

اول یوحنا 1 : 8

اگر گوییم که گناه نداریم خود را گمراه می‌کنیم و راستی در ما نیست

41 - جنس روح ما نور و از جنس روح خدا که نور و پاکی است ؛ بوده است ولی بواسطه دوری از خدا موقعیت ما و روح ما عوض شد . الان موقعیت روح ما در این دوری چیست ؟

بعد از گناه روح ما از جنس تاریکی شده و نه از جنس خدا که نور است . و موقعیت ما این است که از او دور بمانیم و در موقع مرگ جسمانی این روح تاریکی به خدا که روح نور است بازگشت نمی‌کند بلکه در تاریکی ابدی باقی خواهد ماند . هیچ گاه تاریکی وارد نور نمی‌گردد بلکه نور است که می‌بایست وارد تاریکی گردد .

افسیان 5 : 8

شما زمانی در تاریکی بودید اما اکنون با اتحاد خود با خداوند، در نور هستید. پس مانند فرزندان نور زندگی کنید

42 - اگر که ما از جنس روح خدا دیگر نیستیم در موقع مرگ ، آیا در پیش خدا بر می‌گردیم که با او زندگی کنیم ؟ یا نه ؟

از آنجائیکه ما در ظلمت هستیم و از جنس تاریکی شده ایم ، روح ما فرم انرژی است و هرگز از بین نمی‌رود. فرم انرژی می‌تواند تغییر فرم دهد ولی هرگز نابود نمی‌شود. اگر در روی زمین به نور تبدیل نگردد بعد از اینکه از بدن خاکی ما خارج شد به نور بر نمی‌گردد. در قانون فیزیک زمینی مردم می‌دانند که هیچ وقت تاریکی وارد نور نمی‌تواند بشود بلکه نور است که به راحتی می‌تواند وارد تاریکی شود. بنابراین پس از مرگ همه مردم فکر می‌کنند که به نزد خدا می‌روند و با او خواهند بود. که این کاملاً غلط است . ما نزد خدا می‌رویم و اگر گناهان ما پاک نشده باشد و ما با او در روی زمین یکی نشده باشیم روح او را دریافت نخواهیم کرد و روح ما از جنس روح او نیست. فقط برای قضاوت در مقابل او خواهیم ایستاد و گناهان ما را از او دور خواهد کرد. و تا ابد در تاریکی باقی خواهیم ماند .

43 - آیا بچه های کوچک و نوزادان گناهکار هستند ؟ و اگر در نوزادی فوت کنند به پیش خدا می‌روند ؟

هر که در این دنیا از یک پدر و مادر زمینی زائیده می‌شود در دوری از خدا که موقعیت گناه است به دنیا می‌آید. ولی چون قدرت تشخیص و یا معرفت نیک و بد را هنوز استفاده نکرده و ندارد در این صورت اعمال او به پای اعمال بد برای او نوشته نمی‌شود چون نمی‌داند. (مانند همه آنهایی که نمی‌دانند که آنها را مسیح روی صلیب بخشیده است و فقط باید باور کرده و طبق آن زندگی کنند) آن نوزادان اگر در بچگی فوت گردند در این صورت بخشیده می‌شوند. (لوقا 23 : 34). در جای دیگر عیسی می‌گوید بگذارید بچه ها بنزد من بیایند (متی 19 : 14) (مرقس 9 : 36-37) و (دوم سموئیل 12 : 18-24) می‌خوانیم که داود پس از مرگ طفل اعلام می‌کند که او جائی است که ما می‌خواهیم برویم (نزد خدا) .

لوقا 23 : 34

عیسی گفت: «ای پدر، اینان را ببخش زیرا نمی‌دانند چه می‌کنند»

متی 19 : 14

اما عیسی به آنان فرمود: «بگذارید بچه های کوچک نزد من بیایند و مانع آنان نشوید، زیرا پادشاهی آسمانی به چنین کسانی

تعلق دارد

مرقس 9 : 36-37

³⁶ سپس کودکی را گرفت و او را در برابر همه قرار داد و بعد او را در آغوش گرفته فرمود: ³⁷ «هر که یکی از این کودکان را

به نام من بپذیرد، مرا پذیرفته است و هر که مرا بپذیرد، نه تنها مرا بلکه فرستنده مرا پذیرفته است

¹⁸ در روز هفتم کودک مرد و خادمان داوود می ترسیدند که این خبر را به او بدهند. آنها گفتند: «زمانی که کودک هنوز زنده بود داوود به سخنان ما پاسخ نمی داد، ما چگونه می توانیم این خبر را به او بدهیم؟ زیرا ممکن است به خود صدمه برساند.»

¹⁹ اما وقتی داوود دید که خادمانش آهسته صحبت می کنند، فهمید که طفلش مرده است. از آنها پرسید: «آیا کودک مرده است؟» آنها جواب دادند: «بلی، مرده است.»

²⁰ آنگاه داوود از روی زمین برخاست. حمام کرد، عطر زد و لباس پاک پوشید. بعد به پرستشگاه برای عبادت خداوند رفت. از آنجا به خانه آمد و گفت که برایش غذا بیاورند. غذا را آوردند پیش رویش گذاشتند و او خورد. ²¹ خادمانش تعجب کرده پرسیدند: «ما نمی فهمیم! وقتی که بچه زنده بود، تو روزه گرفتی و گریه کردی. حالا که او مرده است آمدی و نان می خوری.»

²² داوود گفت: «وقتی که نوزاد هنوز زنده بود، روزه گرفتم و گریه کردم، زیرا امیدوار بودم که شاید خداوند بر من مهربان شود و او شفا یابد.»

²³ اما حالا که او مرده است، چرا روزه بگیرم؟ آیا امکان دارد که او را باز آورم؟ من پیش او میروم، ولی او پیش من باز نمی گردد.»

44 - آیا خدا آفریننده بدی است ؟ آیه ؟ چرا ؟ توضیح دهید

خدا خالق همه خلقت و همه چیز است حتی ظلمت و تاریکی و حتی بدی را خدا آفریده ولی نه برای انسان که در آن قرار بگیرد . اشعیا 7 : 45

⁷ من روشنایی و تاریکی را آفریدم، من پدید آورنده نیک و بد هستم، من خداوند همه این کارها را انجام می دهم

اگر تاریکی آفریده نمی شد نور معنی خود را نداشت و با بودن بدی - نیکوئی جلوه خاص خود را پیدا می کند ولی در هیچ صورتی خدا بدی و تاریکی را برای ما نیافرید که ما در آن زندگی کنیم تمام افکار خدا برای ما سلامتی و نیکوئی است (ارمیا 29: 11) و ما فرزندان نور هستیم (افسیان 5: 9) ارمیا 29: 11

زیرا خداوند می گوید: فکری را که برای شما دارم می دانم که فکری سلامتی می باشد و نه بدی تا شما را در آخرت امید بخشم

افسیان 5: 9

زیرا که میوه نور در کمال، نیکویی و عدالت و راستی است

45 - آیا دل خدا از آفرینش ما این بود که ما وارد تاریکی شده و تا ابد در تاریکی و در دوری از او زندگی کنیم ؟ اگر بله و یا نه ؛ توضیح دهید چرا ؟

بهیچ وجه ، او می خواست که ما تا ابد در حضور او باشیم و بر روی زمین سلطنت کنیم و تمام فرشتگان و طبیعت و حیوانات در کنترل ما باشند و تا ابد در شادی و آرامش و پیروزی زندگی کنیم و هرگز نمی رویم . حتی از نظر فیزیکی نیز بنا نبود که ما بمیریم چه برسد مرگ روحانی و دوری ابدی . او عاشق ماست و بخاطر محبتش می خواهد که در نور او وارد شده و تا ابد باقی بمانیم .

46 - آیا انسان گناهکار می تواند به خدا برسد و به حضور او بیاید ؟ آیا روش و کاری هست که انسان انجام دهد که خدا آنرا بپذیرد و به دلیل آن کار یا عمل ما ، ما را بیامزد و گناهان ما را عفو کند ؟
بهیچ وجه راهی وجود ندارد. انسان گناهکار مانند شخصی است غرق شده در دریا و احتیاج به نجات دهنده دارد .

47 - آیا می دانید چرا در عهد عتیق خدا بره را برای قربانی مقرر کرد و چرا باید خون بره ریخته شود ؟
انسان گناه کرد و عریانی خود را حس کرد و فهمید ، خدا برای پوشش او حیوان (بره) را قربانی کرد تا از پوست آن انسان را بپوشاند. تا اینکه در روز نجات آمده و خون خود را بعنوان بره نهائی ریخته و گناهان ما را بپوشاند. پیدایش 3 : 21 قربانی اول را داد و در یوحنا 1 : 29 قربانی نهائی را داد. و همچنین می دانیم که نتیجه گناه مرگ است . مرگ روحانی که انسان آن را در روی زمین تجربه می کند که با مرگ جسمانی به ابدیت تبدیل می گردد. مرگ جسمانی زمانی است که روح انسان تا ابد از خدا جدا می گردد اگر نجات پیدا نکند. در حقیقت جریمه و نتیجه گناه در زمان مرگ جسمانی ما نقد می گردد. ریختن خون یک نشانه مرگ جسمانی است. در آیه لاویان 17 : 11 خدا می گوید که جان ما در خون ماست. و او نمی خواهد که خون ما ریخته گردد. به همین دلیل خود او روی صلیب خون خود را ریخت تا خون ما ریخته بشود .

48 - معنی کفاره چیست ؟
به معنی پوشش است . و به معنی پوشاندن گناه بکار می رود ولی به معنی پرداخت جریمه گناه نیز در فرهنگ فارسی بکار برده شده است .

49 - اولین حیوان قربانی را چه کسی داد و برای چه بود ؟
آدم و حوا بعد از سرپیچی از خدا دریافتند که عریانند و آنا احساس خجالت و شرم و گناه کردند . آنان سعی کردند برای رفتن به حضور خدا و صحبت با او خود را با برگ انجیر بپوشانند. (کفاره با اعمال خود) اما برگ درخت خشک می شود و موقتی است و نمی تواند دائماً عریانی و گناه او را بپوشاند. بنابراین خود خدا اولین حیوان را قربانی کرد تا لباس به آنان بپوشاند. (تا آن زمان حتی حیوانی کشته نشده بود و انسان سبزیخوار بود . آدم حتی بر حیوانات اسم گذاری کرده بود). فصل 3 پیدایش آیه 21

50 - انسان از چه چیز می بایست نجات یابد ؟

- 1 - اسارت و تسلط گناه
- 2 - مرگ روحانی
- 3 - اسارت و تسلط شیطان

51 - چه کسی می تواند ما را از 3 مسئله بالا نجات دهد ؟
فقط خود خدا که ما را توسط خون بره نهائی که عیسی مسیح ناصری است می تواند آزاد کند . خدا جسم پوشید و خود را عیسی نام نهاد و با مرگ و برخاستن او به صورت 100% انسان به من انسان این اجازه را می دهد که با درک این مطلب و قبول و اعلام آن از 3 مسئله نام برده شده آزاد شویم .

52 - چگونه خدا جریمه گناه ما را پرداخت کرده است ؟
بوسیله خون خود روی صلیب تا ما دیگر جریمه را پرداخت نکنیم
او در روی صلیب گفت که تمام شد (یوحنا 19 : 30) به زبان یونانی این جمله ترجمه کاملتری دارد ، اصل یونانی می گوید پرداخت شد و به تمامی و کامل پرداخت شد . یعنی تمام جریمه گناهان ما پرداخت شد .

53 - در عهد عتیق انسان گناه کرد و و از خدا جدا شد و برای برگشت و مشارکت با خدا احتیاج به پوشش بود. این پوشش چه بود ؟

این پوشش (کفاره) خون بره بود که در عهد جدید او با خون خود ما را نه تنها پوشش داد و کفاره کرد بلکه گناه را محو کرد .

54 - این پوشش را چه کسی اول فراهم کرد ؟

خود خدا در پیدایش 3 : 21

55 - برای پرداخت جریمه و پوشش گناه خون باید ریخته شود . آیه مربوط به آن را بنویسید ؟

لاویان 17 : 11

56 - در مورد این مطلب که خدا نجات دهنده است نه هیچ انسانی آیه ای از اشعیا بنویسید .

اشعیا 12 : 2-3

57 - آیه ای را در اشعیا در مورد این که خدا واحد است را بنویسید ؟

اشعیا 45 : 5 - 6

58 - آیه ای از اشعیا بنویسید که نشان می دهد و پیشگویی شده است که خدا می آید (به صورت انسان

میآید)؟ این خدای یکتا به روی زمین میآید ؟

اشعیا 40 : 9 - 10

59 - آیه ای از اشعیا بنویسید که نشان می دهد او به صورت یک شبان می آید ؟

اشعیا 40 : 11

60 - آیه ای از اشعیا بنویسید که نشان می دهد او به صورت یک انسان از یک باکره به این دنیا می آید ؟

اشعیا 7 : 14

61 - آیه ای از اشعیا بنویسید که نشان می دهد که این ولد (پسر خدا) خودش خدای قدیر است و این پسر ،

در حقیقت اعلام می کند که خودش پدر سرمدی است ؟

اشعیا 9 : 6

62 - معنی پسر خدا در آیه ای در سؤال بالا در اشعیا نوشتید چیست ؟

پسر خدا به معنی خدا جسم انسانی می پوشد ، خدا در جسم 0

63 - آیا خدا قادر به انجام هر کاری هست ؟

بله (دانیال 3 : 17 و بیشتر مزامیر) بله ولی کسی می پرسد که پس چرا خودش می تواند که سنگی بسازد که خودش نتواند حمل

کند؟ در جواب این حرف ها و سوالات پاسخ این است که خدا خارج از شخصیت خود عمل نمیکند 0

64 - آیا خدا می تواند جسم انسانی بپوشد ؟

چون او قادر است بله. خدا در طول تاریخ کتاب مقدس چندین بار خود را به صورت انسان و در جسم یک مرد به افراد زیادی نشان داده است. به ابراهیم در پیدایش 18 و به یعقوب در پیدایش 32 با یوشع در باب 5 و با جدعون در باب 6 داوران .

65 - چرا خدای واحد قادر مطلق جسم انسانی پوشید ؟

در کلام خدا از قبل پیشگویی شده بود که خدا بروی زمین می آید. (اشعیاء 12، 45، 25، 40، 7، 9) او به صورت انسان می آید و مثل شبان گله خود را به آغوش می گیرد. او می آید تا گناه را بردارد. او به صورت یک ولد و نوزاد و پسر می آید. او برای قربانی شدن می آید (اشعیاء 53) او به صورت کلمه (هستی و منشاء و دلیل تمام هستی و کاینات ، اهیة) در میان ما جسم پوشید و ساکن شد. او برای ما بره نهایی شد. قربانی گناه (یوحنا 1: 1، 14، 29 و دوم قرنتیان 5: 21)

66 - در کدام آیه کتاب عهد جدید نوشته شده است که خدا به صورت جسم انسان به روی زمین آمد؟

در یوحنا 1: 14 و اول تیموتاوس 3: 16 و کولسیان 1: 15-16 و فیلیپیان 2: 6-7

67 - چرا باید خدائی که برای نجات بشر آمد می بایست از رحم یک زن به این دنیا بیاید ؟ چرا مثل یک

فرشته نیامد ؟ چرا یک باره در سن بزرگی مثلا " 30 سالگی ظاهر نشد ؟

پیشگوئی شده بود که او گناهان مارا بر خود خواهد گرفت . او می بایست به شباهت ما بشود ولی در روی زمین گناه نکند تا بتواند تمام گناهان و حتی درد ها و غم های ما را بر خود بگیرد به همین خاطر او از رحم یک زن درست مثل ما به این دنیا آمد تا مبادا کسی بگوید که تو دردهای من را حس نکردی و یا تو حتی دردی که در موقع زائیده شدن و اولین گریه مرا تو تجربه نکردی او تمام زندگی ما را در روی زمین تجربه کرد ولی مثل ما گناه را تجربه نکرد تا قربانی ما شود 0

68 - وقتی خدا (یهوه) وارد زمین شد خود را چه نام گذاشت ؟ و این نام در عبرانی چه معنی می دهد ؟

خود را عیسی نام نهاد . عیسی در اصل عبرانی یشوا است که به معنی یهوه نجات است یعنی خدا نجات دهنده من است ، عیسی ، خدای نجات دهنده من است 0

69 - معنی کلمه در یوحنا 1: 1 - 3 چیست ؟ با معنی اهیة و یهوه در عهد قدیم که در خروج 3: 14 است را

مقایسه کنید ؟

لغت کلمه ترجمه فارسی از لغت یونانی است که لوگوس می باشد . لوگوس به معنی منشاء همه چیز ، دلیل هر چیز و منشاء هستی و خود هستی است که در عهد عتیق خدا خود را به موسی به صورت لغت عبرانی اهیة معرفی کرد و خود خدا گفت که من هستی هستم و هستم آنکه هستم . پس در یوحنا لغت کلمه و اهیة یک معنی را برای ما نشان می دهد که لقب خود خداست و یوحنا در آیه 1 تا 3 می گوید که این کلمه همان خود خداست 0

70 - این کلمه جسم گردید در میان ما ساکن شد ؟ در کجا نوشته شده است ؟

یوحنا 1: 14 و اول یوحنا 1: 1-2

71 - در آیه بالا (جلال او را دیدیم ، جلالی شایسته پسر یگانه پدر) را معنی کنید ؟

جلال او ، یعنی تجلالی ، یعنی ظاهر شدن او و نمایان شدن او ولی چگونه او ظاهر شد ؟ به صورت پسر که در عهد عتیق در اشعیاء 9: 6 پیشگوئی شده بود آمد. پسری که خود پدر سرمدی است و ذات پسر و پدر خداست ولی او می تواند به سه صورت پدر ، پسر و روح القدس ظاهر شود 0 مانند آب که ذات و فرمول آن H2O است ولی می تواند به صورت اقیانوس در سراسر جهان باشد و می

تواند به صورت یخ و حتی به صورت بخار باشد، حتی در 4 درجه سانتیگراد هر سه صورت آب H2O وجود داشته باشد. به همین صورت خدای واحد که ذات او خداست می تواند به سه صورت پدر در سراسر جهان ما را محبت کند و می تواند به صورت پسر جسم بیوشد (مثل یخ) و برای این ما فاسد نشویم جان خود را فدا کند و می تواند به صورت روح القدس (مثل بخار) در ما ساکن گردد. پسر یگانه در اصل یونانی به معنی "یونیک" یعنی بی همتا و متعلق به خدای پدر معنی می دهد0 هرکه می خواهد خدا و یا خدای پدر را ببیند می تواند پسر یگانه را ببیند و جلال و تجلی پسر همان تجلی و ظاهر شدن خداست.

72- معنی بره قربانی در یوحنا 1: 29 چیست؟ آخرین قربانی را چه کسی داد و برای چه بود؟

در تمام طول تاریخ از هابیل و ابراهیم و موسی گرفته تا روزی که از قبل معین شده بود یعنی زمانی که خود خدا به صورت عیسی مسیح بر روی زمین آمد تمام انبیاء و منتظرین خداوند برای ورود به حضور خدا بره و یا حیوانی را به عنوان قربانی و کفاره تقدیم به خدا می کردند. همان طور که قبلاً خدا در کتب عهد عتیق وعده داده بود آخرین قربانی را هم خود خدا داد. وقتی عیسی آمد یحیی تعمید دهنده گفت اینک این است بره خدا (خدا انسان شد) که گناه جهان را بر می دارد.

73- کولسیان 1: 15 را توضیح دهید؟

عیسی صورت خدای نادیده است و در آیات بعدی کاملاً نشان می دهد که او آفریننده همه چیز است 0.

74- کولسیان 1: 19 را توضیح دهید؟

عیسی مسیح خدای جسم پوشیده است. بعضی فکر می کنند که وقتی خدا جسم پوشید قسمتی از خدا وارد زمین شد و یا او کاملاً خدا نیست^۱ حال آنکه در این آیه اعلام می گردد که او تمامی پری در او ساکن شود یعنی او 100% خدا بود و او ذات کامل خدا بود

75- وقتی عیسی می گوید من و پدر یک هستیم، منظور او چیست؟

عیسی در جواب ملایان یهود که کلام تورات را می دانستند می گوید من و پدر یک هستیم آنها سنگ بر می دارند که او را بکشند چرا که می دانستند که او با گفتن این واژه در حقیقت می گوید که من خدا هستم. (یوحنا 10: 30، 14: 7-8) و همین طور به آیه یوحنا 10: 33 توجه کنید که یهودیان چه پاسخ دادند.

76- بزرگترین و اولین دلیلی که خدا به صورت جسم به روی زمین آمد چیست؟

اگر شما اولین و یا آخرین و یا حتی تنها فرد روی زمین بودید او برای پرداخت جریمه گناه شما که فرزند او هستید می آمد. (یوحنا 1: 12 و 3: 16)

77- دومین دلیل مهم آمدن خدا به روی زمین را به صورت عیسی مسیح را با آیه توضیح دهید؟

که الگوی کامل باشد. او مثل ما در روی زمین زندگی کرد ولی گناه نکرد و نمونه یک انسان کامل را در روی زمین به ما نشان داد (آیه 13 فصل 4 افسسیان را مطالعه کنید)

78- وقتی خدا روی زمین به صورت عیسی مسیح 33 سال و نیم زندگی کرد پس آیا هیچ جای دیگر روی

زمین خدا نبود؟

خدای ازلی و ابدی روح است و همه جا حاضر. خدا به صورت کلمه وجود داشته و در عین حال در تمام دنیا به صورت روح از ازل حاضر بوده و هست. اگر خدا در منزل ما باشد آیا در منزل دوست ما در ایران هم هست؟ آیا درست نیست که بگوییم که خدای کامل در خانه ماست و خدای کامل نیز در آن واحد در خانه دوست ماست. اگر از خدا بخواهیم که در خانه ماست جسم بیوشد و به صورت انسان پیش ما ظاهر گردد آیا او دیگر در ایران نیست؟ و آیا خدایی که در خانه ماست کامل نیست؟ پس وقتی کلمه که خود

خداست در 2000 سال پیش جسم پوشید از ازل بوده و خود خداست و در عین حال در همه جا حاضر. خدا در همه حال به صورت پدر و پسر و روح القدس بوده، هست و خواهد بود. (یوحنا 1 : 1-3 و عبرانیان 13 : 8)

79- اگر عیسی خود خداست پس چرا به پدر دعا می کند ؟

عیسی پسر خدا یعنی خدا در جسم انسان. او 100% خدا و 100% انسان بود. در هر کجا که عیسی دعا به پدر می کند آن شخصیت 100% انسانی او به آسمان دعا می کند و به این صورت رابطه خود پسر را با پدر نشان می دهد و همچنین رابطه ما 100% انسان را با خدا به صورت الگو نشان می دهد. (متی 26 : 39) و عیسی نه تنها آمد که گناه ما را بردارد بلکه در درجه دوم یک الگو کامل زندگی و رابطه ما با خدا و سایر انسان ها شد. تا هرچه او کرد ما نیز بکنیم.

80- اگر عیسی خود خدا بود پس چرا بر روی صلیب می گوید : پدر چرا مرا ترک کرده ای ؟

آن 100% انسانی او در یک آن گناه تمام جهان را بر خود گرفته و در دوم قرنیتان 5 : 21 می گوید که او گناه شد. یعنی 100% جدایی او دیگر نمی توانست با گناه در یک بدن ساکن باشد. و عیسی از این جدایی درد می کشید. آیا شما از جدایی از خدا ناراحت می شوید و یا اصلاً "اهمیتی برای شما ندارد؟" (متی 27 : 46)

81- پدر پسر و روح القدس بعنوان سه مظهر خدا از چه زمانی وجود داشته اند؟

از اول زمان از زمانی که خدا بوده به همین سه مظهر بوده ولی در وقت معین خود را به ما نمایان کرده است. اگر در کتاب پیدایش فصل 1 آیه 2 روح خدا (روح القدس) بوده، در کولسیان فصل 1 آیه 15 تا 17 میخوانیم که آفرینش بوسیله مسیح (پسر) بوده است. پس در آفرینش هر سه مظهر خدا در عمل بوده است برای همین است که خدا میگوید در پیدایش 1 : 26 که آدم را شبیه ما بسازیم. این لغت ما رجوع میکند به خدای مرکب (الوهیم = خداوند خدا= پدر+پسر+روح القدس)

82- اگر عیسی مسیح که خدا بود و میگوئید که 100% انسان شد پس چرا ازدواج نکرد ؟ آیا ما نباید او را

بعنوان الگو نیز دنبال کنیم ؟ پس ما نمیبایست ازدواج کنیم ؟

عیسی مسیح 100% انسان میتوانست ازدواج بکند ولی انتخاب کرد که این کار را نکند نه بعنوان این که ازدواج بد است بلکه در کلام در جاهای مختلف ازدواج را تشویق میکند و مبارک میخواند به آیه امثال 18 : 22 رجوع کنید، اما نیز میگوید که این به همه عطا نشده که مجرد باشند ولی اگر کسی مجرد باشد میتواند کار خدا را به نوع دیگر که موثرتر و وسیع تر باشد انجام دهد. چون مرد که ازدواج میکند در خانه مسولیت و زن در خانواده مسولیت هائی بیشتر و بالاتر از بشارت دارند و آن رسیدگی به خانواده است و بعد بشارت و شاگردی دیگران. ولی عیسی آمد که بشارت دادن به دنیا کار شماره یک او شود. او میتوانست ازدواج کند ولی نکرد بلکه تا گمشده را بجوید و نجات بخشد وگرنه میبایست به همسر زمینی و بچه های خود اول میرسید. حال آنکه خانواده الهی او همه ما هستیم و کلیسا در کل عروس اوست. به آیه اول قرنیتان 7 : 7-9 و همچنین آیات 32-38 در مطالعه کنید و همچنین به لوقا 19 : 10 توجه کنید.

83- وقتی عیسی مسیح را بعنوان خدا و خداوند خود می پذیرید و ایمان می آورید چرا باید او را به لبان خود

اعلام کنید ؟ آیه رومیان 10 : 9-10 را توضیح دهید .

در رومیان 10 : 9-10 کلام خدا می فرماید: وقتی به قلب ایمان آورید یعنی باور کرده و بپذیریم که خدا برای ما چه کرده است با او یک می شویم (عادل شمرده می شویم) و با لب بلند اعلام می کنیم نجات پیدا می کنیم. نه تنها خود باور کرده ایم بلکه فرشتگان و شیاطین نیز می شنوند. نجات یعنی آزاد شدن از:

1- تسلط گناه بر نفس 2 - مرگ ابدی 3 - تسلط شیطان.

با ایمان به مسیح ما تولد تازه پیدا می کنیم و خدا به ما روح خود را به عنوان هدیه می دهد.
(افسیان 1: 13 و دوم قرنتیان 5: 17)

84 - هرکه به مسیح ایمان آورد فرزند خدا خوانده می شود . آیه ای در این مورد بیان کنید ؟

یوحنا 1: 12 تمام دنیا آفریده و فرزندان خدا هستند ولی فرزند خواندگی خود را فراموش کرده و در دنیا گم شده و خارج از خانه پدری خود هستند . هرکه به عیسی مسیح ایمان آورد این امتیاز را پیدا میکند که فرزند خواندگی خود را دوباره بدست آورد و در خانه پدر تا به ابد بماند.

85 - کسی که با مسیح تولد تازه پیدا کرده با او مرده است و با او زنده شده است آیا آیه ای دارید که این مطلب را بیان کند ؟

رومیان 6: 3-6 مردن بمعنی مردن در نفس و امیال انسانی است

86 - کسی که با مسیح متحد است حیاتی تازه دارد و هرچه کهنه بود درگذشت و اینک زندگی تازه شروع شده . آیه مربوطه را بنویسید ؟

دوم قرنتیان 5: 17 همانگونه که کرم ابریشم وارد پيله میشود و بعد از جندی تبدیل به پروانه میگردد ما نیز با دریافت مسیح زندگی تازه ای را خواهیم داشت که با زندگی قبلی کاملاً فرق دارد. پروانه دیگر کرم نیست که روی خاک بغلطد بلکه بر گل های زیبا و خوش عطر مینشیند و زندگی تازه ایست .

87 - کسی که می پذیرد عیسی مسیح بجای او جریمه گناهانش را پرداخته آیا دیگر گناه می کند؟ و آیا یک مسیحی که روح خدا را دارد و روح پاکی در اوست آیا قادر به گناه کردن هست ؟ یا نه ؟ و اگر هست باید بکند یا نه ؟ آیه ای درباره گناه نکردن و یا گناه کردن یک مسیحی دارید ؟

آیا باید بکند ؟ خیر . ولی قادر است که بکند ؟ بله . (رومیان 6: 1-4 و اول یوحنا 2: 1)

یک مسیحی واقعی به خاطر عشق به مسیح گناه نمی کند . چون می داند با هر گناه او یک چکش به دست و یا پای عیسی در روی صلیب می کوبد. شما به همسر و یا بچه های خود طوری علاقه دارید که اگر بگویند بطور مثال اگر از چهار راه خیابان کیرک و کمدین اگر هر روز رد شوید ، یک دوربین در سر آن چراغ هست که به اداره پلیس خبر می دهند و یک مامور مخفی می رود در خانه شما و فقط یک سوزن خیلی خیلی کوچک را به پهلوی بچه کوچک شما میزند . حالا شما به من بگویید از این به بعد چند مرتبه دیگر شما از آن چهار راه رد خواهید شد

88 - در کدام آیه نوشته شده است که با دریافت عیسی مسیح خدا با روح خودش مهر مالکیت خود را بر ما میزند؟

افسیان 1: 13 در این آیه ما متعلق به مسیح میشویم و مال او هستیم.

89 - توضیح دهید که روح القدس از چه تاریخی وجود داشته و در عهد عتیق آیا روح القدس در افراد کار میکرد ؟ چگونه بوده است ؟

روح القدس یعنی خود خدا به صورت روح که می تواند در ما ساکن شود. او خداست و از روز ازل بوده .و خواهد بود و در

پیدایش 1: 2 در خلقت حضور روح القدس را می بینیم. روح خدا در افراد بخصوص مثل انبیاء کار می کرده و به آنها داده می شده تا کلام خدا را یا اعلام کنند و یا معجزات خدا روی زمین نمایان شود بعد از آنها گرفته می شده. ولی در زمانی که شاگردان و ما به عیسی مسیح ایمان می آوریم روح او در ما ساکن می گردد و دیگر ما را ترک نخواهد کرد .

90- توضیح دهید که روح القدس از چه تاریخی به مسیحیان داده شده که در آنها ساکن گردد؟

در زمان دریافت آمرزش گناهان بوسیله خون مسیح و اعلام اینکه عیسی خدا و خداوند ماست. در همان لحظه وارد قلب ما می شود و با ما ساکن می گردد. این امر از زمان مرگ و برخاستن مسیح در اختیار شاگردان و ما قرار گذاشته شده است . و در روز پنتیکاست (50 روز بعد از مرگ و قیام مسیح در روز یکشنبه) به تمام خواستاران او به پُری و با قدرت داده شده است .

91- روح القدس چیست ؟ و یا کیست ؟ کدام صحیح است ؟

روح القدس شخص خود خداست و او انرژی و یا "چیز" نیست پس لغت "چیست" صحیح نیست بلکه "کیست" درست است . بلکه خداست که بعد از آمرزش گناهان توسط خون مسیح به عنوان هدیه و بیعانه برکات آینده به ما داده می شود و در ما ساکن می گردد .

92- برای دریافت روح خدا چه باید کرد ؟

هر که مسیح را به عنوان نجات دهنده و خدا و خداوند بپذیرد روح القدس را به عنوان بیعانه وعده های خدا در زمین و در آسمان دریافت می کند. (افسیسیان 1: 13 و دوم قرنتیان 1: 22)

93- وقتی روح القدس را دریافت کردید چه اتفاقی برای شما می افتد؟

تولد تازه دارید. (دوم قرنتیان 5: 17) و ثمرات روح خدا از ما جاری می گردد (غلاطیان 5: 22)

94- میوه های روح القدس کدامند ، نام ببرید ؟ آیه ؟

در کتاب غلاطیان 5: 22 به ترتیب 9 میوه را نام می برد که در وقت نجات به یک ایماندار از طرف روح خدا داده می شود . یک شخص مسیحی می بایست نفس خود را روزانه تحت کنترل روح خدا قرار دهد تا این میوه ها از او نمایان شود. نه آنکه ندارد بلکه بعنوان هدیه یک جا به او در وقت نجات داده شده است ولی نفسی که نمرده است نمی گذارد که این میوه ها از ما بیرون بیاید.
1- محبت 2- خوشی یا شادی 3- سلامتی یا آرامش 4- حلم یا بردباری 5- مهربانی 6- نیکویی 7- ایمان یا در اصل وفاداری
8- تواضع یا فروتنی 9- پرهیزگاری یا خوشتن داری

95- شخص روحانی کیست ؟ و شخص جسمانی کیست و چه معنی می دهد ؟ با آیه ؟

شخص روحانی کسی است که با روح خدا کنترل می گردد و روان او (نفس) او در اختیار روح خدا و در کنترل اوست و عملاً "نفس او مرده و روح خدا در او زنده است و مسیح در او زندگی و از طریق او زندگی می کند (غلاطیان 2: 20) و تمام میوه های روح از او نمایان است ، (غلاطیان 5: 22)
اما شخص جسمانی کاملاً مخالف شخص روحانی ، روان (جان یا نفس) او کاملاً "زنده و او را کنترل می کند و میوه های نفس (جسم در غلاطیان 5: 19-21) از او نمایان است .

96- شاهد مسیح بودن برای شما چه معنی و مفهومی دارد ؟

شاهد در اصل یونانی آن از لغت شهید می آید. کسی که حاضر است برای مسیح شهید شود. ولی مسیح نمی خواهد که ما شهید شده و برای او جان بدهیم چون او این کار را برای ما کرده است. می خواهد ما نفس خود را مرده اعلام کنیم و بکشیم تا روح او ما را کنترل کند تا او از طریق روح خود از ما نمایان شود لغت جلال یابد یعنی تجلی یابد و ظاهر گردد . شاهد کسی است که مسیح در او نمایان است و مردم مسیح را در او می بینند . او نمونه مسیح است .

97- بشارت دادن یعنی چه ؟

وقتی که ما نمونه مسیح زندگی کردیم مردم از ما دلیل عوض شدن مارا خواهند پرسید در آن وقت می توانید با فروتنی و حلم و احترام در باره عوض شدن خود و دلیل آن صحبت کنید . وقتی از نحوه عوض شدن خود صحبت می کنید می گویند که شهادت میدهید و وقتی که از دلیل عوض شدن صحبت می کنید می گویند که بشارت می دهید . پس بشارت دادن ، یعنی بیان خبر خوش (انجیل مسیح - مژده نجات - آمدن خدا در جسم و فداکاری او بر صلیب ، مرگ و رستاخیز او از مردگان) می باشد .

98- کلیسا یعنی چه ؟

جمع ایمانداران به مسیح کلیسا خوانده می شود. کلیسا افراد یعنی ما و شما هستیم نه ساختمان. ساختمانهایی که کلیسا یعنی ایمانداران جمع می شوند می بایست به عنوان ساختمان کلیسا بیان شود .

99- لغت مشارکت برای شما چه معنی می دهد ؟

مشارکت یعنی رابطه روحانی ایمانداران با یکدیگر. در مسیحیت لغت معاشرت که از لغت عیش و عشرت می آید وجود ندارد (منظور اینست که استفاده ندارد) بلکه یک مسیحی با دنیای بیرون و کسانی که هنوز مسیح را بعنوان خدا و خداوند نپذیرفته اند فقط رابطه محبت و بشارت را دارد و با ایمانداران رابطه مشارکت . اگر وارد یک مهمانی می شوید که مردم هنوز با مسیح آشنا نیستند وظیفه شما اینست که شاهد خوب مسیح باشید تا بر آنها اثر مثبت مسیح را بگذارید نه آنکه آنان بر شما اثر بگذارند . اگر در یک جمع ایمانداران بودید نیز وظیفه شما اثر مثبت گذاشتن بر سایر برادران و خواهران ایمانی شماست تا آنان از ایمان و رفتار شما بنا گردند و به شباهت مسیح برسند . و ما نیز از آنها بنا گردیم تا ما هم از ایمان تا ایمان جلو برویم .

100- آیا می توانید بگوئید که چرا و به چه دلیل تشویق شده اید که به شباهنگ بروید ؟

شباهنگ یک محلی است که 1- برای مشارکت با ایمانداران دیگر و تجربه رشد روحانی با یکدیگر و درک خانواده الهی و تجربه زندگی در طول هفته با یکدیگر است نه فقط یکشنبه به یکشنبه 2- دعوت از مهمانان جدید به شرکت در این خانواده تا با رابطه سالم با شمادر شباهنگ (طول هفته نه فقط یک شب جمع شدن) مسیح را در شما ببینند و آنان مسیح را از طریق شما تجربه کنند . 3- پرستش و دعا 4- تعلیم کوتاه ولی عملی 5- رسیدگی به احتیاجات شخصی یکدیگر. دلیل این دعوت ، یک دعوت به خانواده الهی است که باعث رشد من و شما می شود.

معنی و یا تفسیر واژه های زیر را بنویسید؟

101. پسر خدا

خدا جسم پوشیده (عیسی فرزند خدا نیست) فرزند - زاییده شده

102. خداوند

صاحب و مالک

103. اهیه

هستم آنکه هستم

104. یهوه

خدای هستی (از لغت هستم آنکه هستم گرفته شده)

105. کلمه

هستی ، دلیل همه چیز، منشاء

106. عیسی

خدا نجات است (نجات دهنده)

107. مسیح

مسح شده ، پادشاهان را مسح می کردند، پادشاه (خدا)

108. عمانوئیل

خدا با ما

109. عهد عتیق

پیمان قدیم ، عهد بعنوان زمان و دوره نیست بلکه پیمان خدا با ما از طریق کلام خود و پیامبران. این پیمان دوستی و رابطه صحیح در 39 کتاب بعنوان کتب عهد عتیق و یا تورات و کتب انبیاء معروف است

۱۱۰. عهد جدید

پیمان جدید که در خون عیسی مسیح خداوند با ما بست که به ما حیات جاودانی دهد . این نیز بعنوان زمان جدید نیست بلکه عهد عشق خدا و نجات خدا برای بشر است که در 27 کتاب که در جمع به انجیل شناخته شده برای ما بیان شده است .

111. لغت انجیل

خبر خوش ، مژده ، از لغت انجل یونانی که در انگلیسی نیز بعنوان فرشته که همیشه خبر خوش می آورد گرفته شده.

112. کفاره

پوشش (پوشش گناه)

113. قصاص

جزا ، مجازات ، مکافات و داوری

114. رحمت

بخشش (آنچه جرمه ما بوده و یا حق ما بوده و عفو گردد)

115. فیض

بخشش (آنچه حق ما نیست ولی به ما داده و بخشیده می شود)

116. راستی

حقیقت ، حق (عیسی فرمود من راه و راستی هستم)

117. عدالت (پارسائی - نیک مطلق)

یکی شدن با خدا ، در رابطه درست با خدا بودن .

118. عادل شمرده شده (پارسا)

کسی که خدا او را بدون گناه می بیند (بخاطر خون مسیح)

119. آیا عیسی مسیح فرزند خداست ؟

خیر ، لغت فرزند در فارسی از لغتی گرفته شده که بمعنی زاییده شده از انسان دیگر و متعلق به آن شخص . مثل شمعون فرزند یونا یا اینکه مثلاً " شما فرزند مادران هستید . ولی عیسی فرزند خدا نیست چون خدا کسی را زاییده و از کسی زاییده نشده است . بلکه لغت پسر خدا یعنی خدا جسم پوشیده . و تنها لقب عیسی مسیح است و بس. در کتب انجیل تفسیری و انجیل شریف ، مترجم پسر خدا را به صورت فرزند خدا ترجمه کرده است . این ترجمه برای یک فردی که با زمینه فرهنگی و مذهبی اسلام بزرگ شده است

باید توضیح داده شود ، خدا یکی است و دوتا نیست و کسی را نزیاییده است بلکه خدای قادر مطلق برای نجات فرزندانش به صورت ما شد تا جریمه گناهان ما را پرداخت کند .

120 . چه کسی فرزند خداست ؟

شما و من (بخاطر دریافت مسیح به عنوان خدا و نجات دهنده)

عیسی مسیح خود را که میخواند؟

121 - من پسر خدا هستم

یوحنا 10 : 36

آیا کسی را که پدر تقدیس کرده، به جهان فرستاد، بدو می گوید کفر می گوئی، از آن سبب که گفتیم پسر خدا هستیم؟

عیسی مسیح خود را پسر خدا بمعنی اینکه من خدائی هستم که جسم پوشیدم اعلام میکند که یهودیان معنی آن را میدانستند و هر موقع او این را اعلام میکرد آنها سنگ برمیداشتند که او را سنگسار کنند . او نمخواست که از نظر الهیاتی غلط صحبت کند اگر میگفت که من خدا هستم بدون اینکه پسوند پسر در این صورت در فکر یک یهودی کلمه خدا به پدر یعنی بعد روح اطلاق میشد و مسیح در بعد جسم بود نه در بعد روح که فقط بگوید من خدا هستم بلکه خدا بود ولی از بعد روح به بعد ماده و جسم آمده بود . پسر خدا یک لقب است و معنی روحانی دارد نه پسر بعنوان زاده شده و عضو خانواده یک پدر جسمانی فرزند پسر داشته باشد.

122 - من پسر انسان هستم

لوقا 19 : 10

زیرا که پسرانسان آمده است تا گمشده را بجوید و نجاتبخشد.

این لقب خدا در جسم است که دوباره در عهد قدیم به آن اشاره شده است. دانیال نبی در وقتی در ایران رویا دید و خدا را ملاقات کرد گفت که او را به صورت پسر انسان دیدم. به آیه دانیال 7 : 13-14 مراجعه کنید.

123 - من و پدر یک هستیم

یوحنا 10 : 30

عیسی مسیح وقتی میگفت که من و پدر یک هستیم برای یک یهودی که کتب را خوانده بود کاملاً این معنی را داشت که او خود را خدا خطاب میکند. معنی همین آیه در آیه 33 همین فصل 10 نمایان است. یهودیان با شنیدن این حرف سنگ برداشتند که او را سنگسار کنند و مسیح پرسید به سبب چه مرا سنگسار میخواهید کنید؟ میگویند که بخاطر این که تو را انسان مینیم و تو میگوئی که خدا هستی. پس من و پدر یک هستیم یک ادعای خدائی بود.

124 - من اول و آخر (الف و یا) هستم

مکاشفه 1 : 8

من هستم الف و یا، اول و آخر، « می گوید آن خداوند خدا که هست و بود و می آید، قادر علی الاطلاق

در این آیه مسیح خود را اول و آخر میخواند یعنی همچیز در او خلاصه شده است. در عهد عتیق در کتاب اشعیا نبی 48 : 12 یهوه (خدا) خود را اول و آخر معرفی میکند. و با این حرف مسیح میگوید که من یهوه هستم.

125 - من راه هستم

یوحنا 14 : 6

عیسی بدو گفت: «من راه و راستی و حیات هستم. هیچ کس نزد پدر جز به وسیله من نمی آید»

عیسی مسیح خود میگوید که من راه هستم نه آن که آمده ام و راه رسیدن به خدا را نشان بدهم. او کتاب نیاورد یا راه را نشان نداد بلکه او گفت من خودم راه هستم. پس انسانها در دنیا بوسیله مذاهب میخواهند که راه را به خدا پیدا کنند. و میگویند همه راه ها بالاخره به خدا ختم میشود، ولی خدا میگوید همه راه ها به تاریکی و دوری و مرگ است فقط من هستم که میتوانم بیایم و شما را با خود ببرم، خود

126 - من راستی (حقیقت) هستم

یوحنا 14 : 6

عیسی بدو گفت: «من راه و راستی و حیات هستم. هیچ کس نزد پدر جز به وسیله من نمی آید»

عیسی مسیح میگوید که من راستی و حقیقت مطلق هستم. لغت حق یا حقیقت که به خدا تعلق دارد را مسیح به خود میگوید. در آیه یوحنا 8 : 32 خود مسیح میگوید که حق (حقیقت) را خواهید شناخت و حق شما را آزاد خواهد کرد. و توضیح میدهد که این حق و حقیقت خود او پسر خداست. به آیه یوحنا 8 : 36 رجوع کنید.

127 - من حیات هستم

یوحنا 14 : 6

عیسی بدو گفت: «من راه و راستی و حیات هستم. هیچ کس نزد پدر جز به وسیله من نمی آید»

حیات بمعنی زندگی ابدی، منشأ حیات و زندگی فقط مختص خدا است و بس. مسیح این را به خود میگوید.

128 - من قیامت هستم

یوحنا 11 : 25

عیسی بدو گفت: «من قیامت و حیات هستم. هر که به من ایمان آورد، اگر مرده باشد، زنده گردد»

در آخر اوست که بر میگردد و اوست که در روز آخر ما را میتواند قضاوت کند. هیچ کس بجز خدا در روز قیامت با ما ملاقات نمیکند. هیچ انسانی و نه پیامبری و نه امامی در آخر برای قیامت ما ایستاده و میآید بغیر از خود خدا به صورت پسر خدا که میگوید من قیامت هستم. به دنبال هیچ انسانی نباشید که باز گردد. همه انسانها مرده اند همه پیامبران و امامان مرده اند و در روز قیامت همه آنها در مقابل عیسی مسیح برای نامه اعمالشان خواهند ایستاد. معنی دیگر این ادعا این است که همه کس و همه چیز در حال حاضر در او قیام دارد یعنی متصل و پا برجاست و اگر او دست خود را از روی ما و جهان بردارد ما منفجر میشویم. در اتم قدرتی است که اجزای آنرا از هم دفع میکند، ولی به طور ماورای طبیعه که حتی دانشمندان به آن اذان میکنند قدرتی است که اجزای این اتم را به هم متصل کرده و انرژی را میگویند وجود دارد که این جزو کوچک روی زمین را که همه ما از اجزای آن درست شده ایم را به هم متصل کرده که اگر نبود، اتم منفجر میشد و دنیا منفجر میشد. این قدرت اسمش خداست. و یا همان انرژی که دانشمندان به دنبال کشف آن هستند که با شناخت مسیح به این کشف میرسند. به آیه کولسیان 1 : 17 مراجعه کنید

129 - من نور عالم هستم

یوحنا 8 : 12

پی عیسی باز بدیشان خطاب کرده، گفت: «من نور عالم هستم. کسی که مرا متابعت کند، در ظلمت سالک نشود بلکه نور حیات را یابد.»

عیسی مسیح با اعلام نور میگوید که من منشأ نور هستم. ما میدانیم که خدا نور است که در یوحنا 1: 2-3 میخوانیم. عیسی مسیح میگوید من همان خدا هستم. همه ما میدانیم که از جنس تاریکی شده ایم و از نور (خدا) جدا شده ایم ولی نور به روی زمین آمد که من تاریک را روشن و نور سازد. عیسی ما را بعد از نجات نور عالم میخواند نه آنکه ما نیز خدا هستیم بلکه به واسطه تابیدن نور عالم به ما، ما نیز تبدیل به نور شده ایم و برای او باید بدرخشیم به آیه متی 5: 14 رجوع کنید.

130 - من شبان نیکو هستم

یوحنا 10: 11

من شبان نیکو هستم. شبان نیکو جان خود را در راه گوسفندان می نهند

عیسی خود را شبان نیکو میخواند که فقط لقب خود یهوه (خدا) در عهد عتیق بوده است. مزمور 23 را همه ما حفظ هستیم. در باره خدای یکتا حرف میزنند. در جای دیگر در اشعیا 40: 11 خدا اعلام میکند که به صورت شبان به روی زمین میآید و این پیشگوئی در وقت معین انجام شد.

131 - من قبل از آنکه ابراهیم باشد من هستم

یوحنا 8: 58

عیسی بدیشان گفت: «آمین آمین به شما می گویم که پیش از آنکه ابراهیم پیدا شود من هستم

این جمله از نظر دستوری به نظر غلط میآید ولی در حقیقت درست است. این جمله میگوید که من هستم همان هستی هستم و در هر حال من منشأ حیات هستم و حاضر در همه جا. او خدائی است که به زمان وابسته نیست و همیشه میبایست برای او زمان حاضر دستوری را بکار برد. مسیح خود را هستی میخواند. اگر این جمله را بخواهیم به زبان دستوری بنویسیم که ما متوجه بشویم میبایست خوانده شود که قبل از اینکه ابراهیم به دنیا بیاید، من بوده ام و هستم و خواهم بود. این مطلب را نیز از زبان یحیی تعمید دهنده شنیدیم که میگفت "مردی بعد از من میآید که پیش از من شده است زیرا که بر من مقدم بود" یوحنا ۱: ۳۰ در اینجا او نیز او را که از نظر جسمانی 6 ماه بعد از تولد یحیی بدنیا آمده بود میگوید که شده است. یعنی بوده است.

132 - من مرده شدم و اینک تا ابدالاباد زنده هستم

مکاشفه 1: 18

و مرده شدم و اینک تا ابدالاباد زنده هستم و کلیدهای موت و عالم اموات نزد من است

در این آیه عیسی با یوحنا ملاقات میکند و عیسی خود را معرفی میکند. که او تا ابد زنده است.

شاگردان و کلام خدا او را که میخواند؟

133 - کلمه که خداست و جسم پوشید به میان ما آمد

یوحنا 1: 1-2 و 14

¹ در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود.² همان در ابتدا نزد خدا بود
¹⁴ و کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد، پراز فیض و راستی و جلال او را دیدیم، جلالی شایسته پسر یگانه پدر
در این آیه روح خدا از طریق یوحنا اعلام میکند که خدا به روی زمین آمد.

134 - تو مسیح پسر خدای زنده هستی

متی 16 : 16

شمعون پطرس در جواب گفت که «تویی مسیح، پسر خدای زنده!»
در این آیه پطرس بوسیله روح خدا (از طرف خدای پدر) اعلام میکند که تو پسر خدای زنده هستی. یعنی خدای جسم پوشیده.

135 - تو خداوند و خدا هستی

یوحنا 20 : 28

توما در جواب وی گفت: «ای خداوند من وای خدای من.»
در این آیه توما یکی از شاگردان که شکاک بود با دیدن عیسی و جای سوراخ دست و کمر او اعلام میکند که تو خدا هستی. عیسی
در جواب او نگفت ساکت شو چرا توما کفر میگوئی. بلکه او را تائید کرد و گفت خوشا به حال تو توما و خوشا بحال ما که او را به
جسم ندیده ایم ولی ایمان داریم که او خداست و خداوند زندگی ماست .

136 - او خدای قادر مطلق است

مکاشفه 1 : 8

«من هستم الف و یا، اول و آخر،» می گوید آن خداوند خدا که هست و بود و می آید، قادر علی الاطلاق
در این آیه یوحنا با دیدن عیسی مسیح در رویا و مکاشفه عالی خود اعلام میکند که او خدای قادر مطلق است.

137 - عیسی خدای حق است

اول یوحنا 5 : 20

اما آگاه هستیم که پسر خدا آمده است و به ما بصیرت داده است تا حق را بشناسیم و در حق یعنی در پسر او عیسی مسیح هستیم.
اوست خدای حق و حیات جاودانی
در این آیه یوحنا به همه ما اعلام میکند که او پسر خدا خود او حق است یعنی خود خدا.

138 - مسیح جسم پوشیده خدای متبارک است

رومیان 9 : 5

که پدران از آن ایشانند و از ایشان مسیح بحسب جسم شد که فوق از همه است، خدای متبارک تا ابدالابد، آمین
در این آیه پولس کاملاً به وضوح اعلام میکند به مسیحیان رومی که عیسی خداست.

139 - خدا در جسم ظاهر شد

اول تیموتاوس 3 : 16

وبالاجماع سر دینداری عظیم است که خدا در جسم ظاهر شد و در روح، تصدیق کرده شد و به فرشتگان، مشهود گردید و به امتها موعظه کرده و در دنیا ایمان آورده و به جلال بالا برده شد
در این آیه پولس به تیموتاوس و همه ما با هدایت روح خدا مینویسد که خدا جسم پوشید، در ترجمه اصل کلام این لغت "خدا" همان "ته اوس" لغت یونانی است که فقط به خدای واحد تعلق دارد.

140 - خدا با خون خودش ما را خرید

اعمال رسولان 20 : 28

پس نگاه دارید خویشان و تمامی آن گله را که روح القدس شما را بر آن اسقف مقرر فرمود تا کلیسای خدا را رعایت کنید که آن را به خون خود خریده است
در این آیه لوقا از طریق روح خدا اعلام میکند که خود خدا با خورش کلیسا را خریده است، همه ما میدانیم که عیسی مسیح با خون خود کلیسا را خریده است، در این آیه دوباره به این اشاره میکند که همان کسی که میگوید که با خود خودش کلیسا را خریده یعنی عیسی مسیح ناصری همان خداست.